



۲۳ شهریورماه ۱۳۰۷ شمسی (۲۰۲۷)
 ۱۱ شوال ۱۳۹۸ هجری قمری
 ۱۴ سپتامبر ۱۹۷۸ میلادی

صبح پنجشنبه

مذکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات جلسه فوق العاده صبح روز پنجشنبه (۲۳) شهریورماه ۱۳۰۷ شمسی (۲۰۲۷) شاهنشاهی

اسامی.

فهرست مطالب:

- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل.
- ۲- ادامه بررسی برنامه دولت آقای جعفر شریف جلسه.

جلسه ساعت نه صبح بریاست آقای عبدالله ریاضی تشکیل شد

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود.

بشرح زیر خوانده شد

غائبین با اجازه - آقایان: آرزوده - آصف - دکتر ابوالهدی - اربابی - دکتر اعتمادی - جهانشاه افشار - الموتی - اهری - بهره‌مند - بیات - توتونچی افشار - جاف - جعفر جوادی - حیدرزاده - خزیمه خسروی - خطیبی - دادفر - رحیمی لاریجانی - دکتر رشید یاسی - رهبر - دکتر ستوده - سعیدی - سلیمانی شهبازی - صدر - مهدی شیخ الاسلامی - دکتر ضیائی - دکتر صدیق اسفندیاری - دکتر عادل - دکتر فروزین - قرانی - کاسی - دکتر کیان - لیوانی - مجتهدی - دکتر محقق - مشیر - دکتر مهر - میرلاشاری - نواب صفا - نوری اسفندیاری - وشمگیر - وکیل گیلانی - یاسینی - بار کزهی .

بانوان: اباصتی - جهانبانی - داودی - عدیلی - کمالی آزاد - هاشمی.

۲- ادامه بررسی برنامه دولت آقای جعفر شریف اسامی

رئیس - وارد دستور بشویم برنامه دولت جناب

آقای شریف اسامی مطرح است آقای یزدی بفرمائید .
 یزدی - بنام خداوند بزرگ وتوانا، در آغاز لازم میدانم بنام نماینده ملت ایران، از پیشگاه دو عالم مقتدر تشیع جناب آیت الله شریعتمداری وآیت الله شیرازی که هفتمین روز عزای فاجعه جمعه را برای ملت ایران اعلام کردند وبار دیگر به مردم مسلمان این کشور تسلیت گفته‌اند از آنان سپاسگزاری وتشکر وفقدانی کنم در نشست دیشب مجلس شورای ملی اشاراتی داشتم به این که ناسامانی هائی در حال حاضر گریبان ملت ایران را گرفته است وسبب بروز چنین حوادثی شده است به جهت پیدایش یک هیأت مؤتلفه از انترناسیونالیست‌های راست و چپ و کمونست‌های نادم شده که با دست به دست دادن با هم دیگر بر سر سفره بیت‌العمال مملکت نشستند و به غارت و چپاول پرداختند وباز اشاره کردیم به این مطلب که چگونه سیاست‌های دولت راپیاده کردند گفتیم یکی از بزرگترین ضربه هائی که این هیأت مؤتلفه بر پیکر ملت ایران وارد کرد از طریق اجرای سیاست شومش در کشاورزی مملکت بود وچون تکرار است باز این مطلب

می گذرم و وارد بحث نمیشوم که چه برسر کشاورزی این مملکت آوردند، که رسیدند به این نتیجه که امروز روستائی ایرانی که خودش تولید کننده و مصرف کننده گاه صادر کننده بود، اینک همه محصولات کشاورزی در آغاز از دروازه های شهر وارد شد و امروز از دروازه های روستاها وارد میشود و من با چشمان خودم دیدم که روستائی بر دی سبب زمینی و بیاز هندی مصرف می کند و من این مصیبت را به ملت ایران تسلیم می گویم و به جناب روحانی مبارک باشد که وظیفه خود را انجام داده اند (صحیح است)

دکتر طبیب - بدبختانه صحیح است.

یزدی - جای بسی تأسف است که در طی این مدت آمدند و با ارائه آمارهای غلط کشاورزی تعدی داشتند که این سیاست غلط را برای ملت ایران توصیه کنند، شاهد بودید که وزیر تعاون و کشاورزی و امور روستائی وقت به مدت یک ساعت تمام در جلسه مشترک کی در یکی از این کمیسیون ها نشستند و با آمار و ارقام ثابت کردند که گندم کیلونی ده ریال به نفع کشاورزی است.

اسحق نژاد - آمار کذابی است.

یزدی - بله آمار کذابی و در کنار این برنامه و با علم به این امر و این که مسی خواهیم مملکت را صنعتی کنیم، بزرگترین ضربه هارا به کشاورزی مملکت زدند و با کمال تأسف صنعتی که برای مملکت ما چشم گیر باشد و صنعتی که رفع نیاز کرده باشد، صنعتی که قابل رقابت با کالاهای خارجی باشد آنرا هم نداشتیم، چرا ما در برنامه سیاست های صنعتی و کشاورزی دولت های کشاورزی گذشته فرازهای زیادی مادر برنامه دیدیم، در دولت های گذشته حمایت از صنایع داخلی یکی از فرازهایشان بود، بستن درهای مملکت به روی صنایع خارجی به منظور تقویت صنایع داخلی، یکی از فرازهای دولت بود ولی با کمال تأسف چیزی که فراموش کردند و وظیفه داشتند که فراموش کنند نقش نظارت دولت بر صنایع بود و نتیجه این شد که کیفیت کالاهای صنعتی ما یکی پس از دیگری پائین آمد و هریرانی عاشق به این سرزمین و علاقمند به این آب و خاک سعی میکرد و تلاش میکرد جنس ایرانی از ایرانی نخرد این باعث تأسف بود کیفیت محصولات صنعتی ما یکی بعد از دیگری پائین آمد چون بر سر سفره بیت المال مملکت به غارت نشسته بودند. من بارها این مطلب را از مقامات مسئول این مملکت سؤال کردم به موقع، چون این وضع آن چنان با هم استمرار دارد، باز هم سؤال میکنم، چه سیاستی است که مادر محصول

صنعتی داخلی مان از یگان حمایت بکنیم ولی از محصول کشاورزی مان مثل گندم نسبت به آن، این چنین بیگانه باشیم این چه فلسفه ای است؟ این فلسفه را برای من بشکافید، این چه سیاستی است که باید به سرمایه داران صنایع داخلی بزرگترین وام هاداده بشود، و بهترین کارها بشود و بهترین حمایت ها از آن ها بشود، تا بدترین کالاها را تحویل ملت ایران بدهند و ما هم ناچار باشیم که این محصولات را بخریم و این محصولات را تحمیل شده بخریم، ولی سیاست حمایت کشاورزی مورد نظر نباشد، این چه سیاستی است؟ زروی هریک از محصولات صنایع داخلی که انگشت میگذاریم مصیبت است، لامپ برای خانه میخریم، چهار روز بعد میسوزد و یا هفته بعد میسوزد، مداد برای بچه میخرید که خوب نیست، اتومبیل داخلی میخرید گرفتار میشوید ولی چون این مسائل تکرار شده است من از آنها میگذرم که اشاره کردن بانها بیش از این شرم آور است، گفتیم هیئت های مؤتلفه که در ایران پدید آمده بود دست هرازان را در این مملکت میتوانست کنترل کننده باشد و ناظر باشد بر امور جاری مملکتی کوتاه کرد این ازگانها، این قدرت ها و این دستگاه ها کدامین بودند که این هارا از اعمال نظارت و وظیفه خود بازداشتند یکی از آنها مطبوعات بود (صحیح است) تاریخ دهه اخیر مملکت ما و مطبوعات ما و اوراق سیاهی دارد که شدیدترین و بدترین و زشت ترین سانسور را در مطبوعات کشور در سال های اخیر دیدیم، نتیجه چه شد؟ این شد که قدرت خلافت، قدرت قلم، قدرت نویسندگی، ذوق ادبی و ذوق روزنامه نگاری جای خودش را به چاپ لوسی به تملق و درج آگهی هاداد، چرا این کار را کردند زیرا مطبوعات آزاد میتوانست نقش کنترل کننده داشته باشد میتوانست داور باشد، میتوانست بر سر جریان های مملکت نظارت کند و ملتی را بیدار کند، بنابراین مهر سکوت بر لبان این دستگاه زده شد، شما ملاحظه فرمائید جناب آقای شریف امامی اگر قصد این دارید که بخاراضی تراشان این مملکت را مؤاخذه کنید با کمال تأسف یکی از عوامل پیدایش این بلواها در مملکت از طریق روزنامه بود ولی مقصر روزنامه نبود بلکه از طریق روزنامه به وجود آمد ولی نه، روزنامه مسئول نبود، از طریق وزارت اطلاعات آمدند مقاله ای به روزنامه اطلاعات تحمیل کردند، این مقاله تلقی شد که به روحانیت مملکت اهانیت کردند، این برداشت مملکت بود به دنبال اش روحانیت اعتراض کرد، و مقاله جوابیه ای نوشت، این پاسخ درج نشد اعتراض به خیابانها کشیده شد به جای

پاسخ منطقی در قم مردم را به گلوله بستند، این آغاز ذرگیری و این آغاز گرفتاری های اخیر بود و از قم به تبریز و از تبریز به اصفهان کشیده شد و این نقش سانسور بود در مملکت و ما با کمال تأسف شنیدیم که مرغ از قفس پریده است ولی دل های بیدار ملت ایران گواهی خواهد داد که خائنین این آبادی چه کسختی بودند، و چه کسانی هستند یکی دیگر از دستگاههایی که می توانست ناظر و کنترل کننده باشد رادیو و تلویزیون بود بیستم بر سر این دستگاه چه آمد، دیشب اشاره ای کردم و گذشتم دستگاه های رادیو، تلویزیون مملکت ما به جای تقویت مبانی ملی و فرهنگی و به جای طرح مسائل موجود مملکت برای طرح گرفتاری های مملکت میدان را برای گروهی رفاصه و تئیک دار باز کردند و با کمال تأسف چه خرج هایی که برای ارائه این برنامه ها نکردند، چه رقم و هزینه هنگفتی که برای سازمان رادیو تلویزیون ایران پیش بینی نکردند بیست در سیزده جشن هنری که در شیراز ارائه دادند، جناب شریف امامی دستور فرمائید برون بازرسی کنند که چک ها به نام چه کسانی و به چه رقم هایی صادر شده برای یک ویلن زن بیش از صد هزار تومان چک صادر شده است و یا ارقام سرسام آوری که برای جشن هنر شیراز ترتیب دادند و حشنتك است ولی در کنارش با هشت هزار کارمند رادیو تلویزیون چه کردند؟ در حدود پنج سال تمام هشت درصد از حقوق کارمندان را کم کردند که می خواهیم برایتان خانه بسازیم، ه سال بلا استثنا از کارمندان این پول را کم کردند ولی تا به حال نه خانه ای دارند و نه خانه سازمانی ساختند و نه هیچ طرحی برای آن ها ریخته بله . دستگاه رادیو تلویزیون خانه خرید ولی تمیذاتی به چه کسانی دادند.

اسحق نژاد - برای یگانگان خانه ساختند.

یزدی - بله بگوئید و بپرسید که این بیست دستگاه را به چه کسانی دادند چطور انتظار داشته باشیم که این جامعه هم چنان مهر سکوت بر لبان داشته باشد جناب عاملی دوست من در همین سازمان رادیو تلویزیون شما نمایندگانی در اروپا دارید این ها دولت سرراهی برای خودشان بوجود آورده اند در اروپا و آمریکا بالاترین حقوق ها را نیز می گیرند برای این که از نزدیکان گردانندگان رادیو تلویزیون ایران بودند، ماشین های آخرین سیستم و حقوق های کلان و در ازای آن بوسیله دستگاه برای ما چه فرستاده میشود که در قبالتش هر پنج دقیقه بیست هزار تومان آقای دولو دریافت می کرد، چه بود؟ چیزهایی که ارائه میداد، مدلباس هایی که در پارسی بود و در ازای پنج دقیقه این ارقام را دریافت می کرد.

اجاق - آقای غلامیر دولو حزبی هم تأسیس کرده است.

یزدی - من از جناب آقای دکتر عاملی تقاضای کم که این خواسته به حق کارمندان سازمان رادیو تلویزیون را بخصوص در مورد خانه هایشان مورد توجه قرار بدهند و اگر واقعاً سرمایه ای برای این کار نیست پول عایشان را برگردانند یکی دیگر از دستگاههایی که می توانست قدرت نظری برای هیأت مؤتلفه باشد، پارلمان ایران و قوه متنفه ایران بود، پیرامون قوه متنفه دوستان در این جا به تفصیل سخن رانده اند ولی من یک حرفی نمی زنم من معتقدم مجلس شورای ملی که می توانست سر نوشت ساز باشد و میتواند ناظر به حق و اجرای قوانین باشد، آیا در طی این دوره به حق و وظایفش را انجام داد؟ تا آن جایی که ما شاهد هستیم و شما اطلاع دارید پارلمان ایران همیشه دنبال رو سیاست دولت های وقت بود به جز گروهی که این سیاست را دنبال نکردند و دولت ها تا آخرین روزی که بودند هنوز سقوط نکرده بودند، از اکثریت مطلق مجلس شورای ملی و مجلس سنا برخوردار بودند، این را ما می گوئیم سیاست دنبال روی. و حالا که فضا باز شده حالا که به مجلس شورای ملی اجازه داده شده است که ایفای وظیفه بکند حق بر این است که بر مستند قانونی و واقعی خودمان نشسته باشیم و واقعاً بتوانیم اعمال قدرت بکنیم در این سنگر، این به نفع مملکت و به نفع رژیم و ملت است که مجلس شورای ملی امروز به وظیفه خود آگاهانه عمل کند یکی دیگر از دستگاههایی که با کمال تأسف جلوی اعمال نظارتش را گرفتند قوه قضائیه مملکت است. بزرگترین شاهکارشان این بود که افرادی که مطلقاً آشنائی به تشکیلات امور قضائی مملکت نداشتند در رأس این قوه گذاشته شدند و این روشی بود که سیاست های استعماری گاه دنبال می کردند که افراد نا آشنا و نا آگاه و افراد ضعیف را در رأس قدرت های بزرگ میگماردند بنابراین در طی این ده، پانزده سال اخیر تلاش این هیئت مؤتلفه بر این قرار گرفت که همه ارگان هارا از موضع خودش خارج کند و هیچ چیز در موضع خودش نباشد بخصوص ارگان هایی که نقش ناظر را داشتند و میتوانستند ناظر قانونی و به حق بر این اعمال باشند و بعد از این که همه چیز را از موضع خودش خارج کردند آن وقت به غارت بیت المال پرداختند با این ترتیب آیا دوستان ملت ایران حق نداشت که عصیان کند و آیا پاسخ این عصیان همین بود که ما رگبار مسلسل به روی آن ها بندیم، دستگاه

و دولتی که نتوانست بین گروه ناراضی و مبارکسیست‌هاو کمونیست‌ها صف جدائی بوجود بیاورد، و نمیتوانست محرک‌های آنان را دستگیر کند و آن‌ها با کمال تأسف نفوذ کردند به صف وطنپرستان ناراضی به چه عنوان و به چه حقی به روی این مردم مسلسل باز کردید؟ و آن‌ها را به کشتن دادید و آن‌هایی که دفاع کردند و صحنه گذاردند واقعه روز جمعه را بیایند و ببینند که بچه‌های زنهائی که در خیابان ژاله کشته شدند امروز در خانه‌های همسایه‌هایشان بی‌تابی می‌کنند، این زن نه کمونیست بود نه مارکسیست بود بلکه یک زن ناراضی مسلمان بود ولی شما از خانواده این زن و از بازماندگان این زن بزرگترین دشمن را برای مقدمات این مملکت ساختید (صحیح است) از عجائب و شگفتی‌های روزگار این است که گاهی دوستان به من برخورد می‌کنند و می‌گویند فلانی مردم یزد که مردم آرام و محتاطی بودند چگونه دست باین تظاهرات زدند و چگونه سبب این تظاهرات و سبب کشتار گروهی از مردم و مجروح شدن گروهی دیگر شدند، جناب نخست‌وزیر من میدانم شما تا چه اندازه با روحیه مردم یزد آشنا هستید بعنوان یک ایرانی عرض میکنم یزدی‌ها مردمانی زحمت کش و منطقی هستند و تا بحال ثابت کرده‌اند که تا امکان داشته باشد به گرد بلوا و آشوب نمی‌گردند (دکتر اسفندیاری و جعفر حیدری - همه مردم کشور همینطور هستند)

یزدی - و این مردم مؤمن و معتقد و آرام را بخوابان‌ها کشانند و بعد با کمال تأسف رگبار مسلسل به روی آنها گشودند، در اردکان هم متأسفانه همین کار را کردند و مردم را به کشتن دادند و امروز ۷ روز تمام است که سراسر استان یزد که خودشان چشمان گریان و عزادار بودند و عزیزان خود را از دست داده بودند هفت روز تمام ایست با تعطیل عمومی که کردند به عزای حاصله روز جمعه نشستند و من در این لحظه برای اینکه باین خون‌ریزی‌ها پایان داده شده باشد از مولایم علی علیه السلام مدد بگیرم و با هم میرویم به دنبال سخنان علی و توجه هیأت دولت را جلب می‌کنم به گفتار حضرت علی، آنجا که خطابش به مالک اشتر می‌گوید: ای مالک از ریختن خون‌های ناحق سخت برحذر باش، هیچ ستم بقدر خون ناسزا که بر خاک ریخته شود در نزد خداوند بزرگتر از خشم آور نیست، در قرآن مجید میفرماید: هر کس که انسانی را بی‌گناه بکشد آنچنان است که همه فرزندان آدم را کشته است ای مالک مبادا که سبب حکومت و عظمت مقام تو را بر آن وادارد که خونی بدون جرم بر خاک

بریزی و زنده‌ای بی‌گناه از مرکب حیات برون اندازی شما ای حکومت‌ها چه گمان می‌کنید، آن شمشیری که بر کدرتان بسته‌اید ای حکومتها و آن کرسی که بافتار شما گذاشته‌ایم برای آن نیست که خون مردم بریزید و یا دسترنج بیچارگان بخورید ای مالکا بهترین فرصتی که شیطان با تو خلوت می‌کند میدانی کدام فرصت است آری آن موقع که جامه نخوت و تکبر پوشی و از نفس خویش خرسند و شاداب گردی پس مبادا در مدت عمر بهر وضعیت که می‌گذرانی خود را موجودی برتر و بالاتر شماری و گوئی این فریاد برای امروز ساخته شده است برای امروز، دوستان مردم بشدت متألم هستند از این واقعه و مردم بشدت غم‌زده‌اند از این خون‌ریزی، جناب شریف امامی میدانم برای اینکار چه میکنید، در آشتی را با کمال تأسف با این ملت بستید، با مردم بهیچ طریقی از صلح و آشتی نمیشود صحبت کرد ما در میان مردم هستیم،

صنیع - آقا مردم را تحریک نکنید قهر یعنی چه.

یزدی - خانم صنیع که بر این کشتار صحنه گذاشتید و تأیید می‌کنید کشتار روز جمعه را، مردم این سخنرانی‌ها را لحظه به لحظه و کلمه به کلمه دنبال می‌کنند و سخت متألم هستند نکنید این کارها را، مردمی که بقضاوت و داوری نشستند (هفته نمایندگان)

حاتمی - آینده مملکت چه میشود، سرنوشت ۳۰ میلیون چه میشود.

یزدی - شما می‌خواهید که چهار نفر بعیر تادست آویزی برای سخنرانی پیدا بشود زهی تأسف است که نامتان نماینده مجلس است، فاجعه‌ای که در آن سخنران پیدا شود متأسفم و افسوس می‌خورم که در این کرسی نشسته‌اید

آستانه‌ای - توهین نفرمائید ما چه گناهی کرده‌ایم که نماینده شده‌ایم.

یزدی - و اما امروز مبارزات ملت ایران برای این است که باین هیئت حاکمه و به این هیئت مؤتلفه که اشاره کردم انترناسیونالیست‌های راست و چپ و کمونیست‌های نادم شده به این هیئت مؤتلفه خاتمه بدهد و این حلقه‌های زنجیری که بهم پیوسته شده پاره بشود، و همین هیاتی که نه پیوند صادقانه با ملت ایران دارند و نه پیوند صادقانه با رژیم شاهنشاهی ایران و مملکت ایران دارند

قوامی - چرا توهین میکنی؟

یزدی - این مبارزات برای این است که یک حکومت ملی و یک دولت ملی با عقاید ملی و با اعتقاد به مبانی مذهبی

و فرهنگ ملی روی کار بیاید و این خواست ملت ایران است بنابراین هر چیز غیر از این باشد از طریق افکار عمومی محکوم است و به آن‌ها تکیه نخواهند کرد و وسیله‌ای هم برای صلح و آشتی نخواهد بود.

قوامی - ما اجازه نمیدهم مردم را چهار نفر تحریک کنند.

یزدی - چه اجازه بدهید و چه اجازه ندهید با کمال تأسف آنچه شما می‌خواستید نشده و نخواهد هم شد، آهنگ مبارزه ملت ایران، آهنگ قوی است، آهنگی است شکست ناپذیر و تا مرحله پیروزی هم ادامه خواهد داشت. (دکتر طبیب - احسنت)

مهیندخت صنیع - شما مردم را تحریک میکنید، خجالت دارد.

رئیس - آقای قاضی بفرمائید.

قاضی - ای نام تو بهترین سرآغاز

بی‌نام تو نامه کی کنم باز
ای کارگشای هر چه هستند

نام تو کلمه هر چه بستند (احسنت)

اگر فراموش نکرده باشم در جنگ اول بین الملل بود وقتی که لوئی جورج نخست‌وزیر وقت انگلستان اعلام کرد که انگلستان در جنگ شرکت خواهد کرد گروهی به او ایراد گرفتند و حمله کردند که چرا میخواهی ملت انگلستان را در میدانهای جنگ یککشتن بدهی لوئی جورج گفت ما وزرای کابینه انگلستان نوکران مردمان کوچک و بزرگیم و وقتی ملت انگلستان اراده میکند که به کاری مداخله کند ما خدمتگزاران ملت قادر نیستیم که در جهت مخالفت اراده ملت قدمی برداریم این طرز تفکر یک نخست‌وزیر است در سرزمینی که مهد دموکراسی دنیا نام گرفته است (احسنت) حقیقت امر این است دوستان عزیز من قصد نداشتم صحبت کنم اگر امروز در اینجا مزاحم اوقات دوستان عزیز هستم بجهت این است که همشهریان من دیشب با تلفن‌های مکرر از من خواسته‌اند که از ماجراهای سیاسی روزبر کنار نمایم و وظیفه‌ای را که بعنوان نماینده مردم گرگان بعهده دارم ایفاء کنم و شاید به زبان بی‌زبانی و یا با زبان حال میگفتند حیثیت باشد که ذوالفقار علی درنیام و زبان قاضی در کام (احسنت). قبل از اینکه بسخن بپردازم از دوست و همکار عزیز و فاضل جناب آقای نظمی صمیمانه سپاسگزاری میکنم که با کمال بزرگواری و ایثار وقت گرامی خودشان را به بنده کرامت فرمودند.

دوستان ملت ایران دو عاصمه دارد، دورکن دارد،

دو پابه دارد و دو اصل، که تکیه به این دو پابه و دو رکن و دو اصل است که ملت ایران را از گذرگاههای مخوف تاریخ بساحل نجات رسانده است. نخلت عاصمه دین و دیگری عاصمه شاه است، ملت ایران بی‌دین و بی‌قرآن و بی‌روحانیت محکوم به زوال است، محکوم بافراض است استقلال و موجودیت خود را از دست خواهد داد. ملت ایران در استقلال و نظام شاهنشاهی به استمرار تاریخ چند صد هزار ساله‌اش ادامه ندهد و به پرچم شاهنشاهی ایران تکیه نداشته باشد هم ملت و هم وطنش و دینش را از دست خواهد داد (آفرین) این سخن، سخن نیست این آفرین‌ها بتاریخ ایران است، این استمرار تاریخ ایران است، این راز بقای ایران است، چند هزار سال پیش آنجا تکیه اردشیر بابکان بنیانگذار سلسله ساسانیان به پسرش وصیت میکند، اندرز میکند، و دیعه حیات به موکلان قضا و دیعه مملکت را به پسر میسپرد، بزرگ حماسه پیرا و سخنور ملی ایران فردوسی چنین میفرماید:

جو بردین کند شهریار آفرین
بز آرد ورا پادشاهی و دین
چنان دین وشاهی بیکدیگر بند
تو گوئی که در زیر یک چادرند
(احسنت)

نه بی‌تخت شاهی بود دین بیجا
نه بی‌دین بود شهریاری پیا
(احسنت)

دو دیباست در یک دگر بافته
بسه نزدیک مرد خرد یافته
(احسنت)

نه از پادشاهی نیاز است دین
نه بی‌دین بود شاه را آفرین
و امروز در این برهه از تاریخ ایران و در این سرائیب خطرناک که جامعه ایران و ملت ایران بدان گرفتار است به حکم وطن پرستی و ایران دوستی وظیفه فرد فرد ملت ایران است که بین این دو رکن اساسی پیوند بدهند ملت ایران را کسانی که بین دین و شاه جدائی می‌افکنند هم به شاه خیانت می‌کنند و هم به دین و هم به ملت ایران (صحیح است) امروز روزگار همسنگی است، امروز روزگار وحدت ملی و روز یگانگی و اتحاد است، امروز ایثار است و گذشتگی، حرکتی در جامعه ما پیدا شده یک حرکت از یک نقطه غطف غطف ظاهری نقطه باز کردن فضای

سیاسی یا باز شدن فضای سیاسی اما حرکتی بود زماندار دیرپا، همراه با گذراج زمان در حرکت، اما در تانی. حرکت، حرکتی بود مقدس ملی در تحت رهبری مذهب و روحانیت، هدفی والا، هدفی مقدس و ملی را تعقیب میکرد آزادی و استقرار حکومت قانون آزادی و حکومت قانون اساسی حرکتی بود که تمام افراد ملت ایران صادقانه بدنبالش بودند، چرا؟ برای اینکه در این حرکت هر دورکن اساسی ملت ایران مؤید همذیگر بودند، دین و شاه و ملت بسوی هدف آزادی، هدف بسیار مقدس بود اما در کنار این هدف متأسفانه یک حرکت ویرانگر و یک حرکت نابسامانی آفرین و یک حرکتی که متعلق بملت ایران نبود جان گرفت، اما حرکتی بود که هیئت حاکمه ایران بان جان داده بود (آفرین) حرکتی بود که امکاناتش را فساد دیوانسالاری ایران فراهم کرده بود، حرکتی بود که اگر در مزرعه فساد و نارضایتی مردم جوانه نمی زد هرگز سبز نمی شد و جان نمی گرفت.

دکتر طبیب - روی همین موضوع تأکید بفرمائید.

رفعتی - دارند میفرمایند شما شعار ندهید.

قاضی - دلیل نخست اینکه ملت ایران مسلمان است و در زیر سایه قرآن زندگی می کند، اسلام و قرآن به کمونیست در هیچ جایی که اسلام حکومت می کند اجازه رشد نداده است، دیگر بعلت اینکه ملت ایران شاه پرست و شاهنشاه را دوست دارد و به رژیم شاهنشاهی احترام می گذارد و وفادار است و این هم اصلی است که به کمونیسم اجازه رشد در جامعه ایرانی نمیدهد ولی متأسفانه محیط مساعدی که فساد دیوانسالاری ایران دور شدن دیوانسالاری ایران از ملت خود، برتر شمردن دیوانسالاری ایران از حاکمان واقعی این سرزمین که ملت اجازه رشد و نمودار. (دکتر طبیب - صحیح است) این حرکت در کنار حرکت اصیل ایران به پیشروی پرداخت اما نه برای سازندگی، فقط برای ویرانگری فقط برای اینکه اصالت حرکت ملت ایران را از ملت ایران بگیرد فقط برای اینکه حرکت ملت ایران را منکوب کند فقط برای اینکه نگذارد ملت ایران به آزادی و دموکراسی واقعی خودش برسد و برای اینکه ملت ایران را از شاه و دین خودش جدا کند این حرکت مخرب بود و ویرانگر بود و دیدید که چه شعارهایی زنده و دور از اعتقاد ملت ایران آذنت و دیدید در شکاف همین حرکت چه ضایعاتی بوجود آوردند، شوخی نیست، دوستان من فرض نکنید که حسن مخالف سخن می گوید حسین موافق، حقایق را گوش کنید، بنگرید که چه می گوید ننگرید که چه کسی می گوید (احسن)

تبعیض و بحساب نیاوردن ملت گفتند و نکردند. گفتند و نکردند قالو اما فعلوا و اینهم من معشر فعلوا و قالوا گفتند آنچه را که بکار نیستند سخنان حکیمانه گفتیم سخنان پرطمطراق بسیار گفتیم وعده های بسیار فریبنده بسیار دادند اما نصیب ملت ایران جز حرمان، چیزی نشد جز عکسش را جز نقیضش را هیچ ندید و دیگر تبعیض کشنده و ایران بر باد ده همکاران عزیز، اگر ایران از دست برود همه مسئول هستید و کلهم راع کلهم مسؤول عن الرعیه بدون استثناء مسؤولیم خیال نکنید جناب شریف امامی مسئول بوده و من وکیل ملت مسئول نبوده ام که دهانم را بستم و حرف نزدم **دهقان نژاد** - جناب قاضی مگر شما درباره نیکبای (شهردار سابق تهران) صحبت نکردید که خانه های مردم را خراب کرد؟ ما هم گفتیم صورت مذاکرات مجلس هست و خادم و خائن مشخص است.

قاضی - گفتیم قانون مقدس است، اما واقعاً قانون برای همه ملت ایران مقدس بود یا فقط برای طبقات محروم و درمانده و بی زور و زور مقدس بود؟ صاحبان زر و زور و نورچشمان و وابستگان، همکاران، امروز دیگر روز رودرواسی نیست اگر وطن پرست هستید باز کنید همه مسائل را بر طبق قانون اساسی رهبر ایران یک فرد غیر مسئول است والا، مقدس، و عزیز است ولی دور از مسؤلیت است ما مسؤولیم، چرا پای یک مقام غیر مسئول را پیش می کشید؟ چرا شاه مقدس و والا را با ملت، با مردم روبرو می کنید؟ چرا وقتی اشتباه می کنیم پشت سر شاه پناه می گیریم، این خیانت است هر که کرده خیانت کرده است (آفرین)

دکتر طبیب - آنهایی که سکوت کردند خیانت کردند. **قاضی** - گفت تضاد و دیگر عدم رضایت مردم، میدانید مردم چرا ناراضی هستند؟ مردم ایران خیلی شریف و نجیب و پاک هستند و مودت و مودت جانشان را هم میدهند اما یک چیز را نمیتوانند قبول کنند، توهین و بحساب نگرستن را، همه مردم ناراضی اند از گدا و ثروتمند، شهری و روستایی، دانشمند، استاد و دانشجو هیچکس را بحساب نگرقتند (صحیح است) فکر کردند در یک سرزمین بایر دور از مردم حکومت میکنند اگر این سرزمین مردم ندارد پس شما نامردمان بر که میخواهید حکومت کنید برخس و خاشاک و چوب، حاکم بر این سرزمین ملت ایران است (صحیح است) شما باین ملت بی اعتنائی کردید هیچکس را بحساب نیاوردید، از وکیل، وزیر و استاد و دانشجو این جامعه طغیان نکند؟ این جامعه بحرکت

نیاید؟ بنشیند و تماشاگر باشد؟ مگر بالاتر از سیاهی هم رنگی هست؟ بالاتر از مرگ هم مصیبتی هست؟ شما ملت را ببرک کشانید بخیرش کردید برسر دوراهی که از هر دو سو مرگ بود.

پارسا مطلق - مسبب کی بود؟

قاضی - این ملت پایدار نمی ماند، اما من بعنوان یک ایرانی صادق واقعاً بشما میگویم که یکی از علل بروز این نابسامانی ها عدم توجه بفرمایشات شاه است بزیود فرمایشاتشان را بخوانید چیزی نبود که شاه نگفته باشد مخصوصاً مذاکرات جلسات شورای عالی اقتصاد را بخوانید تمام حرف هایی را که امروز من میگویم دصالح پیش رهبر مملکت گفته است شاه درست گفته است آنقدر دروغ گفتند تا کار را باینجا کشاندند حال ملت ایران واقعاً مصیبت بار است یزدی دروغ نمیگوید، چرا احم می کنید؟ وقتی کسی حرف حق میزند فکر کنید اسمش قاضی است فکر کنید اسمش عباس میرزایی است آقامت عزادار است عزادارش کردند آنهایی که حرکت ملی ایران را منحرف کردند آنهاست که لاستیک و خاک ازه و مواد محترقه سرازه با سرازه حرکت ملت ایران گذاردند آنها ملت ایران را ازین بردند اما شما بهشان مایه دادید، فرصت دادید که این کارها را بکنند جناب شریف امامی بنده الان که صحت می کنم صادقانه عرض میکنم که من با دولت جنابعالی موافق نیستم، عصبانی نشوید شما شیخ القوم و سیدالطائفه هستید دلیلش هم اینست اینهایی که در برنامه گذاشته اید همه خوب اما دستان را میبوسم با کدام قانونی میخواهید با فساد مبارزه کنید باین فساد دیرپای چندین ساله با حکومت نظامی چند روز میشود مبارزه کرد وقتی میخواهید با فساد مبارزه کنید باید قانون انقلابی بیاورید باید دادگاه خلق و مردمی تشکیل بدهید، که مورد تأیید روحانیت باشد والا آن دادگاه هم منار ارزش ندارد باید همه را بکشید باین دادگاه وزیر و وکیل را بکشید باین دادگاه هر چه دست اندر کار است هر که توانست در ساحت این دادگاه حقانیتش را ثابت کند قدمش روی چشم و هر کس نتوانست بقانون بسپار بدش مگر میشود باین قوانین با فساد مبارزه کرد اینکه عرض می کنم باین دلیل است اما با دولت شما مخالف هم نیستم چون مسلمانم و قصاص قبل از جنایت نمی کنم اگر آنچه را گفتیم کردید در اختیار شما هستم و گرنه اولین کسی که رأی کیود میدهمن خواهم بود، همه هستند امروز مجلس ما و منی ندارد اقلیت و اکثریت

ندارد آنجا که منافع ملت ایران مطرح می شود نه اقلیت و نه اکثریت با هم اختلافی ندارند یک هدف دارند و آن منافع ملی است شما حکومت نظامی اعلام کردید و دو حرف گفته اید این اعلامیه خودتان است اول میفرمایید که مملکت ما در خطر انقراض است بنده نفی نمی کنم فرمایش شما را ولی باید پشت این تریبون ثابت کنید دیگر فرمودید این توطئه عمیق که با پول و نقشه خارجی و تحریکات بیگانه انجام گرفت، قبول دارم ولی بیاید اینرا روشن کنید و این بیگانه را بعلمت بشناسید میدانید چرا کار ما با اینجا کشید؟ برای اینکه خائن و دشمن واقعی مردم بجای اینکه رو در روی ملت ایران قرار گیرد پشت سر شاه قایم شد اگر اینها این اعمال را انجام نداده بودند اینطور نمی شد اما بنده جناب شریف امامی یک مصیبت دارم مصیبت شخصی که هیچکدام از نمایندگان محترم ندارند بنده این مصیبت را دارم و وکلای شریف ترکمن صحرا مصیبت ما سر لشکر مزین است از شما استدعا می کنم که به پیشگاه همانیونی معروض دارید یک میلیون و اندی مردم گرگان و ترکمن صحرا از دست این فرد بسته آمده اند بجان عزیزتان به شرافت و انسانیت دیشب مردم گرگان می گفتند قاضی اگر اینقدر پیروز باشی که این مرد در گرگان بماند خانهات را آتش می زیم آقای نهاوندی دروغ نمی گویم آقا یک میلیون جمعیت را که فدای یک نفر نمی کنند بیاید ببینید این مرد چه کرده در عرض ۱۰ سال آخر این که وضع نشد اگر خلاف گفته استاد حقوق بغل دستتان نشسته است مرا وکیل مفری و بهتان گر بگویند مرا پای میز محاکمه بکشاید اما اگر حرف حق می زیم چرا به حرف من توجه نمی کنید آخر من بجای مردم ایران حرف می زیم برای مملکت حرف می زیم من و همه رفقایم بعلی مرتضی هیچکدام از این وکالت سرفراز نیستیم باور کنید ما سرفرازانیم ما افتخار نداریم باین وکالت مردم شوی این وکالت را ببرد که رئیس اداره برای من نویسنده چهل ساله که دستم از قلم زنی پینه بسته بس خامه طرازی ای عجب گشته است

انگشتان چون ستبر سوهانم

(صحیح است)

شما نمیدانید در شهرستانها چه خبر است نمی دانید مدیران کل با مردم چه می کنند با وکلای مردم چه می کنند (نمایندگان: صحیح است - صحیح است) آقا دیگر ایران، ایران نیست، فرعون کده شده است این چه وضعی است دو مسئله دارم مربوط به منطقه و به اختصار یادآوری می کنم مردم گرگان و ترکمن صحرا که یک منطقه

مرزی و عشایری است منطقه بسیار مستعدی است از دیرباز می خواهند که آنجا استان بشود جناب وزیر کشور شما که خودتان گرگانی هستید قربان گرگان باید استان بشود تیمسار قره باغی مدتی فرماندهی لشکر آنجا را داشتند ایشان هشری هستند حالا چه بهتر که ایشان هم وزیر کشور شدند، مشکلات زیادی داریم برای یک کار کوچک باید ۳۰۰ کیلومتر برویم ساری، مسئله دیگر آبهای گرگان است، آقای توکلی نامه ای به بنده نوشتند که برو مردم را راضی کن، پول اضافی را بردند عرض کردم جناب وزیر من وکیل وزیر نیستم من وکیل مردم هستم، مدتها است که بنده و جناب دکتر واحدی درباره آب بابل و گرگان نامه مینویسیم و این تذکرات را داده ایم که مورد توجه قرار نگرفت ما از کابینه جناب شریف امامی قاطعیت توقع داریم، بهر حال صادقانه از پیشگاه خداوند متعال مسئلت دارم که همچنان که در طول تاریخ ایران و استمرار تاریخ ایران دین و شاهنشاهی به کمک هم و با هم این ملت و این سرزمین قرآن و لا اله الا الله را حفظ کرده از این به بعد هم حافظ شرف ایران و ایرانی باشند، اینهمه گفتیم، اما در بسج بی عنایات خدا هیچیم، هیچ (احسن).

رئیس - آقای قائمی بفرمائید.

عنایت الله قائمی - (شاید که چشم چشمه بگیرد

به های های) با غمی جانکاه، دلی خونین و چشمی اشکبار در برابر خونهای برادران و خواهران مسلمان و ایرانی میهن پرست که بهر تقدیر بی گناه بر خاک ریخت سر تعظیم فرود می آورم و به روان پاک و ارواح طیبه آنها سلام و درود می فرستم و به بازماندگان با تمام وجود تسلیت می گویم و از خدای بزرگ صبر بسیار آرزو میکنم برای آنها که عزیزانشان را از دست داده اند، زین قصه هفت گنبد افلاک پر صداست کوه نظر بین که سخن مختصر گرفت (احسن)، جناب شریف امامی، به شهادت کسی که اکنون با شما همکاری نزدیک دارد و با او گفتگویی داشتم پیش از یک هفته قبل از آنکه شما مأموریت تشکیل دولت را پیدا کنید. به جهت آن گفتار و بحث، گمانم این بود که امروز در اینجا در موضع موافق با دولت گفتگو کنم اما دریغ که سرنوشت شما را در جهتی کشاند و در موضعی قرارداد که موضع من عوض شد و امروز بنام مخالف در اینجا عرایضی را به سمع شما نمایندگان ملت و شما مأمور تشکیل کابینه و رئیس دولتی که آنان در مجلس برنامه او مطرح است عرض میکنم شما وارث وضع بسیار اسف بار و مرگباری هستید

بی انصاف نیستم هنوز که شامه عنوان دولت و رئیس دولت کاری را آغاز نکرده اید بجز مسئله حکومت نظامی و اما سرنوشت شما این بود که امروز وارث وضع اسف بار حاصل از حکومت ۱۳ ساله فریب، دروغ، خدعه، ریا و نیرنگ باشید چه میشود کرد ۱۳ سال آن چنان که برآستی اینجا توجیه شد حکومت بی وطنها بود همانطور که جناب پزشکپور هم توجیه فرمودند، بی وطنهای چپ و راست و غارتگران کاری کردند که ملت را مردم مسلمان میهن پرست آزاده حق گذار، متین و نجیب ایران را به عصبان کشیدند آنها چه کردند حقوق اساسی ملت ایران را به سخره گرفتند، ملت را کوچک شمردند، قانون را به هیچ انگاشتند! چطور؟ قاضیم، بی دلیل سخن نخواهم گفت، جناب باهری اساسی ترین حق ملت ایران کدام است مگر حقی نیست که بتواند اراده خود را از طریق مجلس شورای ملی از طریق قوه مقننه اعمال کند؟ آیا فرصت دادند بعلمت که این حق اساسی را اعمال کنند؟ نه! همه بیاد داریم قبل از انتخابات این دوره، دوره ۴ و طرح رستاخیز و نظارت و کنترل بازمان شاهنشاهی که موجب شد آراء مردم محفوظ بماند به چسان و چگونه انتخابات انجام میشد، جناب دکتر نهاوندی شما که مسائل را بررسی می کنید از دیدگاه علمی، چگونه انجام میشد، حزب حاکم ۳ ساله برای هر حوزه به تعدادی که می بایست نماینده داشته باشد منحصرا کاندیدا معرفی میکردند حتی حساب ایرانی کردند که شاید یکی در مسیر انجام کار انتخابات با حادثه ای مواجه شود مثلا در شهر شیراز مرکز استان فارس شهری که من ناچیز پرورده آن شهر زیبا هستم در دوره ۳۳ مردم را خشمگین، افسرده دل، مرده میدیدم که با چشم میدیدند اساسی ترین حقوقشان زیر پای عده ای از خودراضی بی جهت هدر میرفت و سکوت میکردند میدانید چه میکردند جناب دکتر باهری حقوقدان بزرگ؟ صورت مجلس انجام انتخابات حکایت میکند که هر نماینده آنجا به تعداد مساوی رأی دارند مثلا ۸۳۰۳ رأی - نفر اول، دوم، سوم الی هفتم آیا این مند خود فریاد نمیکند که من معمولم؟ آیا دلیلی از این بالاتر میخواهید؟ در کدام قوطی عطاری انتخابات چنین استاندارد شده ای سراغ دارید؟ در دنیای سرمایه داری در جاهائی که حزب واحد است؟ در جاهائی که حزب واحد نیست کجا نظیر آن هست؟ چرا اینطور شد؟ حتی اعتقاد دارم عنوان این جرم از حد جعل هم بالاتر است چون بعضی از اعمال عنوانی، متعدده در سه ساله جرم پیدا میکند، عمل واحد نمکن است عناوین متعدد داشته باشد این عمل قیام

علیه حکومت ملی است مگر حقوق ملت از این طریق اعمال نمیشود آنها که چنین کردند چه کرده اند؟ قیام بر علیه حکومت ملت ایران، چرا تعقیب نشوند چرا آن دادگاهی که اینجا گفتند، تشکیل نشود، اینها موجود است، آنها نیکه این صورت مجلس را تنظیم کردند و آنها که به نام نماینده بهره گرفتند همه قیام کنندگان علیه حکومت ملی اند شما وارث چنین عواقبی هستید و حالا انتظار سکوت دارید، انتظار آرامش، چرا؟ تا کی؟ تا کجا؟ مگر با مردم روبرو شوید؟ مگر اینجا قبرستان است؟

مگر ارض خانوشان است؟ چنین نیست، بهر تقدیر این نمونه ای بود و جزئی بود از کل، اصولا اصالت را از حرکت های اجتماعی حذف کردند به ظاهر سازی به سلیمان به نمایش پرداختند، دیدیم و میشنوم انجمن شهر داریم، قانون دارد انجمنهای بظاهر دمکراتیک که تشارت و مزده مردم میدهد اما هیچ اختیاری در عمل ندارد، حاکم و والی هر چه خواست کرد، هر که او خواست شهردار میشود حتی اگر سراپای وجودش از فساد و تباهی لبریز باشد مردم چه قضاوت خواهند کرد چه عکس العملی در روحیه مردم پیدا میشود، متأسفم که شما وارث این چنین سرنوشتی هستید بگذریم از اینکه بقولی که گفته شد بصورت جمعی تا کجا و تا چه حد در این زمینه بهر صورت شرکت داشتید، مجلس شورای ملی را بیازی نگرفتند هر قانونی خواستند از تصویب این مجلس گذراندند و از تصویب مجلس های قبل از آن، آنهائی که از این دوره بود و آنهائی که برای کسب قدرت و ایجاد نیرو از نظر نیروی لازم، نیروی نمایش ۱۳ ساله حکومت گذشته قانون نظام صنفی دولت این قانون که فرزند ناخلفش اطابق اصناف بود چه کرده و فلسفه وجودش چه بود جز ایجاد قدرت نمایشی برای حزب فرمایشی، چرا با سرنوشت ملت چنین کردند؟ چطور اعتقاد داشته و باور داشته باشند باور به چه چیز، یک روز در همین مملکت آقای هویدار رئیس دولت ۱۳ ساله ۴ وزیر را جابجا یاب به اعتباری کابینه را ترمیم کرده بودند و از جمله آقای روحانی وزیر آنچنانی کشاورزی را که هر چه گفتیم بگوش کسی فرو نرفت هنگام طرح فروش تأسیسات کشاورزی که چه کرد جناب پزشکپور و سایر دوستان و کسی گوش نداد، ایشان را به سرپرستی وزارت تعاون هم مأموریت داده بودند و وزارت تعاون و روستاها لایحه ادغامش در وزارت کشاورزی در مجلس مطرح بود و هنوز به مرحله قطعی و تصویب

نرسیده بود، آقای رامبد از آن گوشه اظهارنامه‌ای کردند.

دکتر مشیر - رامبد هم تغییر رویه داد.

قاضی - و در اینجا دولت را متهم کردند که چرا هنوز این دو وزارتخانه ادغام نشده قبل از تصویب قانون سرپرستی واحدا انتخاب کرده اند.

دکتر طبیب - متأسفانه باید آقای رامبد را هم شریک جرم دانست.

قاضی - میدانید چه جواب دادند، جواب خیلی ساده بود. دوستان اینجا نخست وزیر پشت تریبون میگفت من خودم میتوانستم آن وزارتخانه را که بلا تکلیف است تا تعیین تکلیف قطعی ادا نم یا هر یک از وزراء دیگر بجای عمل خلافت قانون اساسی است. ملت ایران میدانید چه گفتند؟ گفت آقای رامبد شما زیاد مسافرت میکنید، یعنی در مملکت نیستید، مگر من وزیر تعیین میکنم ما در این مملکت یک فرمانده داریم، این بود جواب، این بود اخلاص، این احساس مسئولیت بود، معنی این کار چه بود، معنای این جمله یعنی چه؟ جناب شریف امامی خوب میدانید ۵۰ سال رئیس قوه مقننه در مجلس سنابودید دیگر لازم نیست بیش از این توضیح بدهم کار ما را اینجا کشاندند که بقول آقای قاضی که قبل از این سخن می گفت، به جای افتخار و مباحث به جهت کسب عنوان افتخار آمیز نماینده ملت احساس شرمساری و سرافکندگی در جامعه میکنیم چرا چنین است این یک توطئه ای است، جناب شریف امامی یک حرکت حساب شده علیه موجودیت و قومیت و بقاء مملکت است مگر ملت ایران می بخشد، مجال است از هیچ یک از این مسائل بگذرد (صحیح است) جناب شریف امامی شما برنامه خود را با تأکید بر این مسائل شروع کردید با توکل به خدا و تعظیم به شعائر دینی و مذهبی و ایجاد تفاهم و آشتی و حفظ حرمت و روحانیت اجرای کامل قانون اساسی، استقلال قوه قضائیه، استقرار حکومت قانون و تأکید بر اولویت ها از قبیل اولویت در مسئله کشاورزی یا مسئله دیگر قاعدتاً این برنامه با این تأکیدات مورد تأیید هر وطن پرستی باید باشد اما چرا من مخالف سخن می گویم این خواست من است من بعنوان کسی که در پشت این تریبون به تلام الله معید سوگند یاد کرده ام، همواره به یوگندم وفادارم، من بعنوان کسی که اجرای کامل و تمام عیار قانون اساسی را رافع به جمیع مشکلات موجود و هر نوع مشکلی که فرض وجود آن در آینده بشود، صحبت

است و این یک واقعیت است. نقش پشت جبهه، نقش من و شما فرزندان ملت ایران سوی برادران سرباز، بسیار ارزنده است (صحیح است) چرا سرباز، چرا ارتش با ملت خونین شود؟ چرا با مردم خونین شود؟ کجا به مصلحت مملکت است؟ حالا کردید، حکومت نظامی نیاز داشتید، پلیستان قادر به برقراری نظم نبود با این همه تجهیزات و اعتباراتی که در این مملکت در این سالها، صرف تأمین احتیاجات آن شده بود بسیار خوب، از برادران سرباز کمک میگرفتید که گرفتید. اما مگر شما نسبی دانستید حکومت نظامی قانون دارد؟ مگر نمی بایست جناب دکتر باهاری حقوقدان در قالب قانون حکومت نظامی حکومت کند نه خارج از قانون؟ این قانون حکومت نظامی و این شما کجای قانون اجازه داده سینه برادران و خواهران مرا در این مملکت گلوله باران کنید؟ کدام قانون؟ چرا کسانیکه خلاف قانون اساسی شعار دادند که کارشان جرم بود، دستگیر نکردید؟ مگر نمیشد؟ میشد. از من باور نکنید، کارشناسان دنیا را دعوت کنید، کارشناسان پلیسی را از جهان امروز، از هر کجا که بخواهید دعوت کنید ببینید نمیشد؟ تجهیزات پلیس را می سنجند. امکاناتش را می بینند و قضاوت می کنند که میشد. عده ای برخلاف قانون اساسی شعار دادند که بر طبق قانون قدغن بود و در نتیجه قابل تعقیب و می شد آنها را دستگیر کرد، ولی چرا اینکار را کردید؟ و حالا چگونه از مردم انتظار دارید؟ چگونه ملت، شما را در چنین شرایطی و حالتی، می خواهید که شما را دولت آشتی بشناسد؟ نمی شناسد. اما فراموش نکنیم که ضرورت تاریخی جامعه ما حکومت دولت آشتی است. حکومت دولتی است که بتواند تمام طبقات را در زیر پرچم ایران همدل و همزبان بکند و در صلح و سلامت به پایداری و استقامت دعوت نماید. ولی متأسفم که با چنین شرایطی و با آن صغرا و کبرایی که چندم لاقل بعقیده خودم باید فکر دیگری کرد و بهمین دلیل بشما رأی نمی دهم، آقایان همکاران مگر در اینجا سؤال نشد؟ مگر جناب پزشکپور و سایر دوستان و آقای بنی احمد سؤال نکردند از دولت که چرا در قم در خانه مرجع تقلید جامعه شیعه، جهان شیعه، حضرت آیت الله سید کاظم شریعتمداری، مأمورین رفته اند و در آنجا کسانی بقتل رسیدند چه کردند با خاطیان؟ آیا تأسف کافی بود بعقیده من نه، چطور می شود قبول کرد اعلامیه دولت را که مأمورین در شهر قم خانه مرجع تقلید جهان تشیع، را نمی شناختند تصور دارید این قول را مردم ایران،

مسلمانان، شیعیان باور کنند؟ چگونه؟ مجال است. بیاید از گذشته عبرت بگیریم صادقانه با مردم روبرو شویم حقایق را بگوئیم و لویاتیکه خودتان متضرر شوید این جا سالهای سال شعار دادند، یک روز پاسدار انقلاب بودند و یک روز سرباز رستاخیز بودند و یک روز جان در کف بودند چه شدند این سربازان؟ کو این جان در کفان؟ نبود چنین چیزی، صداقت نبود، ریا بود و خدعه، آنچه آن کردند که بیماری اسف بار ناباوری و بیماری اختناق و تملق و چاپلوسی و مدیحه سرایی را در جامعه بیشتر کردند هر کس گمان کرد اگر آرزوی بیسی دارد اگر تمایلی دارد که در مسایل گوناگون تجلی داشته باشد باید تملق، چاپلوسی و ریا داشته باشد، تظاهر داشته باشد این بیماری بسیار بد است و متأسفانه در جامعه ما وجود دارد من استدلالی دارم که جناب دکتر باهاری در این جا می گویم در باب بعضی از تملقات که از همین جا هم شنیده ام در بعضی از تملقات که خیال می کردند سپاسگرند، تجلیل کنندند اما نه، آن ها کار را به جایی رساندند که بعقیده من از دیدگاه قضائی توهین کننده اند و چون مورد خطاب موضع عام بود قابل تعقیب جزایی، در این جا گفتند بصورت ستایش و مدیحه سرایی که تاجهان بوده است در زمینه مادی و معنوی ما. من باب مثال چنین رهبری نداشته ایم، چرا چنین کردند، این چنین انتظار و توقع بوده؟ خدا میدانند من تردید ندارم که این موضع قدرت از این گونه تملقات خوش نمی آید اما معتقدم که متأسفانه جنبه ای پیدا کرد که میشود گفت خدای نکرده حالت استهزاء داشت که در آن صورت جرم است و قابل تعقیب جزایی، چرا چنین کردید با سانی ملت ایران؟ متأسفم همه از درد، همه از رنج، همه از خطا، همه از ریا گفتیم متأسفم بضاعت کم است ولی اهل سخن هستم دلم میخواست در مسیری دیگر و در مایه ای دیگر سخن بگویم اما چکنم، نمیشود استقلال قضایی، یعنی خمیر مایه دموکراسی، اگر قصد آن است که در جامعه برقرار شود اما چگونه، کدام استقلال چه نوع استقلال، استقلالی که در این سالهایی که گذشت پروبال دستگاه قضایی را چیدند و قیچی کردند حتی حکومتی خاص با آن دسته بندی برای خود درست کردند و مسایل قضایی مملکت را آنجا بردند، این است معنی استقلال دستگاه قضایی، چرا با زرسی کل کشور را منحل کردید؟ چرا این واحد بزرگی را که میتوانست در تمام سازمانها و تشکیلات اجرایی مملکت با زرسی و نظارت داشته باشد منحل ساختید چرا و چرا شما جناب آقای شریف امامی که میگوئید

استقلال فوه قضائیه را میخواهید، در برنامه تان پیش بینی نکردید؟ آری، سخن بسیار دارم ولی نمیدانم چقدر از وقتم باقیست.

دکتر رئیسی - بیست دقیقه دیگر وقت دارید.

قائمی - متشکرم اینجا یکی دو مطلب که بعقیده خودم از مطالب دیگر بیشتر حائز اهمیت است در ادامه سخنم عنوان می کنم همانطور که در طلحه بیانیه برنامه دولت تعظیم در مقابل شاعران اسلامی و حفظ حرمت روحانیت عنوان شده است من سخنی کوتاه در باب نقش جامعه شیعه مذهب، شیعه در بقای ملیت ایران و استقلال این سرزمین عرض کنم پس از بحث نبی اکرم و رواج اسلام با آن عظمت، با آن مایه های انسانی، با آن حریت ها، و برابری اسلام داشت گسترده می شد، خوشبختانه به مبین ما هم آمد و ایران آزاده با جان و دل اسلام را پذیرا شد چنانکه در سرزمین های دیگر هم رفت ولی عمر سعادت قیود را عوض کردیم از مسافرت هم جوامعی هستند مگر مصر قدیم نیست مگر ۶ هزار سال تاریخ ندارد مگر ادراک آن هنوز هم با مسلمان ها بیخند نمیزند. اما دیگران کشور مصر نیست کشوری عربی است، اما ایران با جان و دل پذیرای اسلام شد. چرا عرب نشد، چرا چون این خصلت برای مذهب مقدس تشیع است (آفرین) این شیعه گری است، این مذهب شیعه است که ایران را پاسداری و نگهداری نموده و قومیت ما را پاسداری کرده حالا میدانید چقدر وظیفه سنگینی دارید در مقابل بزرگان، رهبران، مرشدان، هادیان مذهب شیعه، میدانید که با چه قیمتی با چه کیفیتی باید از آزر دگرگی باید از دل سوختگی و رنجش آنها، رفع رنجش و رفع نگرانی کنید این رسالت ملی ماست، این رسالت ملی شما حکم می کند باید چنین بکنید **حیدری** - همه مسلمانان نه تنها شیعه.

قائمی - همه مسلمانند و برابر اما قانون اساسی ایران را مطالعه کنید مذهب رسمی ایران مذهب حقه جعفری است، یعنی مذهب تشیع (صحیح است) ما نه تنها با برادران دیگر خود که مذهب اسلامی دیگر دارند متحد و برادرم بلکه با همه مسلمانان برادرم (احسن است). بنابراین چه تفوهی است سخن جای دیگر است، هیچگاه چنین تصویری را نکنید در ذهن خودمان گناه است. این موضع مقدس آن چنان که منی بایست در این سالهایی که گفتم و آثار غم انگیزش را شرح دهم. احترام لازم شناخته نشد و ذهن نجی ها کردند پهنی بایست می کردند. حالا تاوان را پس بدیدید چاره جز این نیست باید به همه تاوان پس

بدهیم. انتظار نداشته باشید که رنجش نباشد. مسئله غارتگران در این مملکت خود لثایی قطور است و در چند دقیقه ای که من قصد گفتم داشته باشم قادر بادای آن نیستم زنجیرهای خفگان که گفتم از بی وطنی ها و غارتگران بوجود آمده بود آن چنان گفتم غارت کردند بردند و از هم با شدند. سرمایه ملت را که تعقیبان باین سبلی و سادگی ممکن نیست، دایره وسیعی است، چندماه پیش بود قبل از تعطیل تابستانی مجلس گفته شد همچنان که دادگاه خاصی لازم است گفته شد در سطح ملی غارتگران را تعقیب کنید و خساری ملی بوجود آورد ولی نشنیدند و نشنیدیم متأسفانه باید بگویم چون از جانب خود ما هم همان روز عکس العمل نشان داده میشد (صحیح است) متأسفم ولی یک روز در اینجا در باب مسئله و مشکل شدید و آزار دهنده ترافیک تهران سخن میگفتم، گفتم این را بررسی کنید بنیادش را، بچونید چرا بل می سازید این بل ها مسکن هستند. اشاره کردم که در آن ایام اخباری منتشر شده بود در جراید که ایران ناسیونال ۲۰ هزار بیکان تولید سالانه دارد یا کمپانی پژو هم قرارداد بسته است که ۲۰۰ هزار اتومبیل پژو مونتاژ کنند ۸۰٪ مصرف این تولید در تهران است در کدام معبر باید بگذرد. همین توطئه بوده است اینجا نقشه میلیاردی شدن گروه معدودی بی وطن بوده است چرا؟ چون وسائل حمل و نقل عمومی ترانسپورت شهری فراموش شد. نخواهند وسائل حمل و نقل عمومی بعد کفایت باشد تا من و شما نیازمند اتومبیل بیکان باشیم (صحیح است) غارت کردند با هزار واسطه و وسیله به ۶-۷ برابر قیمت واقعی مردم فروختند و ملت ایران را غارت کردند و بعد افتخار کردند که این منم طاووس علیین شده این منم که ۱۶۰ میلیون تومان بلاعوض برای یک امر خیر میدهم و این باز مطلبی است که اگر غارت بوده است بقول مولوی و داستان پاکبازی که شبانه سرقت میکرد و چیزی بدست میآورد و در خرابه ها به بینوایان میداد و میخوراند شاید بدین اعتبار این ۱۶۰ میلیون را پذیریم اما سخنی دردناک گفتند و در روزنامه ها هم نوشته شد که صد میلیون تومان برای کسب رضایت زوجه بمنظور عوسبازی جدید پرداخته است آیا اینجا بودند وطن پرستان؟ اینجا بودند سربازان راستین رستاخیز؟ ایشا بودند پاسداران انقلاب؟ چرا به مملکت چنین کردند که امروز منی که میل نداشتم در موضعی قرار بگیرم که چنین قلب مردم را رنجه کنم چنین کنم چرا کردید؟

اینها غارتگراند چنانکه داستان آن چوپان است داستانی شنیدنی حتی کار بجائی رسید که از زبان مرجع عالیقدر هم شنیدید که در یکی از مصاحبه ها فرمودند که اگر آن چوپان شیعه هم بود از نظر ما مردود بود **دکتر طبیب** - آفرین به این درایت و روشن بینی.

قائمی - اگر چاره ارا به شما خطاب میکنم بر من به بخشید بدین لحاظ است که بهر تقدیر من بی نوا در گوشه و کنار ولی شما در رأس بوده اید چرا چاپلوس بوده اید چرا ساکت مانده اید ولی من ساکت نماندم گفتم در بودجه سال ۵۰ گفتم که با ملت ایران چنین نکنید شما سرمایه ملت ایران سرمایه جامعه متحول را چرا صرف مصرف غیر ضروری میکنید چرا باید برتقال و موز و آناناس با سرمایه ملی ایران با سرمایه زیربنائی ایران تهیه شود و مثال آوردم و گفتم آن روزگاری که شاه اسماعیل صفوی زنجیر توپ های عثمانی را در جنگ چالدران میدرید موز و برتقال و آناناس خورده بود؟ این جامعه که از روستاها بقول آن دوست عزیزم کمون یافتند و ملت ایران را پاسداری کردند و خواهند کرد ملت ایران جا خالی نمیکند از این حادثه نمی فراسد اما رشد ما را در زمینه های معنوی و مادی با سستی مواجه خواهد کرد اما ملت حفاگذار و ملت معتقد و مؤمن و با شرف میماند هر کس بخواد یا نخواهد ایران میماند و ایرانی هم میماند با همه شکوه و عظمت و جلالش (انشاء الله) من اگر بدین دولت رأی میدهم و رأی کیود خواهم داد از روی بعضی از دوستان که از نظر عاطفه شخصی عزیزشان می دارم شرمندهام این شوخ چشمی را بر من ببخشید اما بخاطر مصلحت بخاطر مصلحت ایران بخاطر مصالح عالییه ایران زمین بخاطر شکوه و اعتلاء اسلام و مذهب حقه جعفری بخاطر عظمت و بخاطر روحانیت که رنجیده است و نتوانستید دولت آشتی باشید و بعقیده من نمی توانید باشید متأسفم نمی توانم شما جز رأی کیود بدهم سخن را کوتاه می کنم (احسن است) به طنز نگویید به جد بگوئید (مجتبائی) - متأسفم که آدم چقدر رنگ عوض میکند) بهر تقدیر - دشمن بقصد حافظ اگر دم زند چه بالکمنت خدای را که نیم شرمسار دوست. متشکرم. (احسن است - احسن است)

رئیس - آقای نظمی تشریف بیاورید. **علی نظمی** - جناب آقای رئیس همکاران ارجمند. بنام خداوند بزرگ وبا استعانت از شرف و وجدان بنام یک ایرانی وطن پرست و معتقد و بنام نماینده ملت در مجلس شورای ملی سخن خود را در مورد برنامه دولت جناب شریف امامی آغاز می کنم. قبل از شروع هر مطلب

لازم بتذکر میدانم که برنامه دولت ها در هر زمان و موقعی اگر بطور مجرد و خارج از عوامل اجرایی و مؤثر و دور از قیاس و استنتاج مورد بررسی قرار گیرد نه تنها چیزی را برای ما ثابت نخواهد کرد بلکه بصورت مقاله زیبایی درخواهد آمد که هر خواننده و شنونده، نویسنده آنرا تحسین و جملات آنرا تمجید خواهد کرد و لازم بیادآوری است که هیچ دولت و حکومتی برنامه کار خود را تشبلی و سستی، دزدی و خیانت، سوء استفاده و سوء رفتار قرار نداده و نخواهد داد و سعی خواهد کرد در قالب کلمات و جملات زیبا مورد پسند مردم آنچیزیکه خواست مردم و نیاز جامعه است در کتابی بنام برنامه دولت گنجانند و بی مناسبت نیست که باستحضار برسانم که فقط در سده دهه اخیر که سن و سال من اجازه میدهد و مطالعاتی نیز دارم تمام دولت ها برنامه کار خود را مبارزه با فساد و پیشرفت کشاورزی و صنعت و توسعه اقتصادی و بازرگانی و رفاه حال عامه و عدالت اجتماعی و جملات شیرین و دلپسندی از این قبیل قرار داده اند و هر دولتی دولت قبل از خود را با همان جملات شیرین محکوم و با تکرار همان جملات و عبارات برای خود برنامه ای تنظیم کرده است. بهرحال این سیر تسلسل تا بنجا کشیده است که امروز هرایرانی با شرف و مؤمنی عقیده دارد که ایران در خطر است.

ناراضائی و نازاجتی مردم از سوء جریانات و سوء استفاده ها و نداشتن امکانات رفاهی کافی خاصه وضع بد و خطرناک دیورشت سیرت دیوانسالاری و آنچه که این دولت ها گفتند و عمل نکردند مملکت را بجائی رسانده است که متأسفانه امروز من در این مجلس در حالی صحبت می کنم که حکومت نظامی برقرار و تانک ها در جلو مجلس پاسداری می کنند و چند روز پیش بود که خون دهانفر از خواران و برادران ما بر زمین ریخته و عده زیادی مجروح شدند و شما انتظار نداشته باشید که آنچه در بیرون میگردد تأثیری در صحبت ها و بحث های نمایندگان نگذاشته باشد (صحیح است) من با قلبی آکنده از غم و اندوه این مصیبت بزرگ را بتمام ایرانیان شرافتمند تسلیت عرض و برای بازماندگان این عزیزان وطن صبر و شکیبائی آرزو می کنم و قلباً از درگاه احدیت مسئلت دارم که چنین حوادث ناگواری برای ملت ما پیش نیامده و اتحاد و اتفاق ملت ایران دائمی وابدی باشد (احسن است).

جناب شریف امامی اولین و مهمترین مطلبی که بعقیده من دولت شما را بوجود آورد و در زوایای برنامه دولت نیز بخوبی بچشم میخورد مسئله ناراضائی مردم و

پیدا کردن علل و از بین بردن ریشه‌های آنست و بقول معروف دولت شما برای آشتی و نگهداری حالت سازش و جلب اعتماد مردم روی کار آمده‌است و اگر مفهوم این مطالب را دقیقاً مورد بررسی و امعان نظر قرار بدهیم متوجه خواهیم شد که مسئولیت و رسالت بزرگی بعهد شما گذاشته شده است و چه مشکلات اساسی و بنیادی بيشماری در پیش دارید.

وضع جامعه امروز ما را بمریضی میتوان تشبیه کرد که چندین درد خطرناک و مهلک دارد و نیازمند معالجه و مداوا است ولی برای مداوای بیمار مریضی ابتدا باید نوع مرض را تشخیص و سپس بدست پزشکان حاذق معالجه گردد. برای شناخت درد جامعه بیمار باید بگذشته برگردیم و ببینیم این میکروب مسری و خطرناک چگونه در جان جامعه ما جا گرفت و روی همین استدلال است که برخلاف کسانی که عقیده دارند ذکر مصیبت نباید کرد عقیده من باید مصیبت آنقدر ذکر و بررسی گردد تا آنجا که علت وجودی آن روشن و با تدابیر لازم کاری شود که دیگر برای جامعه مصیبتی پیش نیاید.

بزرگترین بلا و درد جامعه ما از دیر باز بالای دیوانسالاری است دردی که نه تنها با وجود ادعاهای دولتهای گذشته از بین نرفت بلکه بجرات می‌توانم بگویم که هر کدام بنوعی باین دیوانسالاری وحشتناک دامن زدند و با بحساب نیاوردن مردم عادی و حکومت مطلقه پشت میز نشینی کار راجعانی رساندند که نه تنها امروز این درد بصورت یک درد بیدرمان و صعب‌العلاج درآمده است اصولاً خود نیز مسبب و موجب ناراحتی‌ها و نارسائیهای بيشمار دیگر گردیده است. عدم اعتناء ب مردم و کارآنها و سوء رفتار و سوء استفاده و تبلی و کاهلی از عوارض اولیه این درد مهلک است که متأسفانه امروزه بصورت بارز در اجتماع بچشم می‌خورد. با چنین اوضاع و احوالی پس از انقلاب اجتماعی ایران که بتدریج قیافه جامعه تغییر و درآمدها نسبتاً افزایش می‌یافت و افکار جدیدی بر جامعه مستولی می‌شد و طبقات مختلف مردم احساس وجود و ابراز وجود میکردند و در مسیر یک تحول عمیق اجتماعی قرار گرفته بودیم دیوانسالاری با زشت‌ترین قیافه و شکل خود روی روی این سیر تحول ایستاد و با عوارضی که طبیعتاً دارا می‌باشد در شئون مختلفه و ارکان عدیده این تغییر و تحول نفوذ و تأثیر بخشید تا آنجا که کشاورز آزاد شده از قید و بندهای گذشته در مقابل چنان سازمانها و کارگران در برابرین ناسامانیها و مرتع و وحشم داران با آن بیعدالتی‌ها و زنان

و کارمندان در مقابل این تبعیض‌ها و جوانان و محصلین و دانشجویان در برابر آن بلا تکلیفی هاترار گرفتند که مجموع اینها ناشی از عدم توجه دولت‌ها و دستگاههای اجرائی مملکت بود و این روند چنان بی‌اعتدالی و بی‌اعتمادی در مردم بوجود آورد که گویی چاره‌ای جز تسلیم و رضایتست و هرچه بر مردم گذشت آنرا بصورت یک امر امر قبول کردند و روز بروز اعتقادات سست و مبانی اخلاقی ضعیف و بی‌تفاوتی عمیق و عمیقتر شد. در این میان دو عامل دیگر نیز بجای مرهم زخمهای این بیمار ضعیف را عمیقتر و مهلکتر کرد. یکی از آنها بالا رفتن بسیار سریع درآمدهای کشور که بطور مستقیم با بالا رفتن قیمت نفت مربوط بود و در این حال بود که بعضی از این دیوانیان سالاری دیده و مژه سؤال و توضیح نچشیده چنان خود را گم کردند که گویی ارث پدر تقسیم می‌کنند و مال بیگانه بتاراج می‌برند. البته بعضی از این تاراجها و تقسیم‌ها بصورت مستقیم و بعضی بصورت عدم اعتناء بمنافع ملی و عدم احساس مسئولیت بصورت بی‌بندوباریها و ضایعات بود. عامل دوم که بنظر من یکی از اساسی‌ترین عوامل است نبودن برنامه صحیح و سنجیده در مملکت بود و تنگناهای زیادی بوجود آورد. امروز که درآمد نفت بالا رفت و دولت عملاً آمادگی هضم صحیح چنین درآمدی را نداشت به یقین شبیه بچه خردسالی بود که یک تن شکلات در مقابلش ریخته باشند و نداند چگونه بازی کند و چطور بخورد و چگونه بذل و بخشش نماید و اهمیت ندهد چگونه بچه‌های شیطان دیگر اعم از خودی و بیگانه بانسان دادن کلاسیک در آسمان می‌پرد نسبت بوسع و قدرت و پرروئی خود از آن بردارند (احسنست)

مجموع کلیه این عوامل که سردهسته آنها به هیچ شمردن مردم و بحساب نیاوردن مهره‌های اصلی اجتماع بود چنان دولت‌ها را محو و عاشق افکار خود کرد که براساس یک اصل روانشناسی بی‌اختیار از زبانشان جاری می‌شد که «ما عاشق افکار خود نیستیم...» هر کس را که دوست داشتند و سببی و الفتی بود بسرکارها گذاشتند و روابط حاکم مطلق امور شد و دروازه‌ها را بروی اجناس و هر بنجل خارجی گشودند و در مقابل سؤال نمایندگان مجلس که چرا جلو این بی‌بندوباریها را نمیگیرید و ورود هر چیز حتی قورباغه و حشرات و مواد غیر ضروری و تجملی را آزاد گذاشته‌اید در مجلس رسماً گفتند «میخواهید من به رعیت شاهنشاه بگویم نخور؟». این بود سیاستهایی که اعمال می‌شد این بود برنامه‌ای که داشتند (صحیح است)

در بیست سال گذشته که مملکت ما از یک رهبری بی‌نظیر و با تدبیر بهره برده و با فرامین مختلف و اصول انقلاب عمیق اجتماعیش بهترین موقیعت‌ها را برای پیشرفت بوجود آورده و با اعمال سیاست‌های صحیح از طرف معظم له درآمد مملکت بالا رفته بود متأسفانه دولت‌ها آنطور که باید نتوانستند مجریان خوب برای این فرامین و راهنماییها باشند و چنان توجه به پیشرفتهای مادی و ظاهری و آمار و ارقام خود ساخته و کذائی بخود مشغولشان کرد که از مسائل معنوی و مذهبی و اخلاقی و رشد فکری و فرهنگ جامعه غافل ماندند تا آنجا که خلاء معنویات و نبودن برنامه سالم برای جوانان و رشد صحیح فکری آنان کاملاً احساس می‌شد و زودتر از همه اجانب و دشمنان ایران این خلاء را احساس و از عدم توجه مسئولین سوء استفاده و بنفع خود بهره‌برداری کردند. دانشگاهها که باید مراکز تحصیل علم باشند، آلوده به جنجال و هیاهو شد و بخواسته‌های منطقی آنان باخشونت پاسخ داده شد تا آنجا که در بعضی موارد راه برگشت را برایشان بستند و جوانان معصوم ما راهی را رفتند که نه خود و نه خانواده‌هایشان راضی بآن بودند (صحیح است - احسنست)

جناب شریف‌امامی ریشه نارضائیهای مردم باشرحیکه گفتم و مسلماً خود نیز واقف هستید جز این نیست و اگر جنابعالی واقعاً مصمم هستید این ریشه‌ها را بخشکانید سرچشمه را پیدا و سپس شروع ب بخشک کردن نمائید.

باعتماد من این مردمیکه در خیابانها رامی‌افتند و گاهی نیز سوء استفاده کنندگان شعارهای تند و خلاف قانون اساسی بانان تلقین می‌کنند اشخاص بی‌وطن و بی‌ایمانی نیستند و اکثریت قریب باتفاق آنان افسراد وطن پرست و مؤمن بمقدمات ملی و قانون اساسی هستند ولی فرط ناراحتی و نارضائی و عدم اعتماد بدستگاههای اجرائی که بحق برایشان پیش آمده است و هيجانهاییکه بی‌اختیار پیش می‌آید موجب می‌شود که گاه و بیگاه شاهد مناظری باشیم که بنفع آینده مملکت نیست و متأسفانه می‌بینیم که این موج عظیم ملی‌گامی مثل جریان سیلی که اختیار آن از دست خارج باشد بی‌اختیار می‌شود و آنوقت است که کار بخشونت من کشد و بدنبال آن آتش سوزیها و جنایات و کشت و کشتار راه می‌افتد ولی شما را قسم میدهم بوجدانتان خوب فکر کنید مسئول این خرابیها و کشت و کشتار کیست؟ آیا جز اینست که قبول کنیم آنهایکه در رئوس دستگاهها بودند و مردم ارا

ناراضی کردند و ب مردم و عقاید آنها وفی ننهاند و نیرو و فکر جوانان مملکت را بخوبی ارشاد و استفاده نکردند مسئول این فجایع هستند؟ اگر هم تصور کنیم که دستهای آلوده خارجی در تحریک مردم و خرابیها تأثیر داشته است باز باید باین اصل توجه شود که اگر ناراضی وجود نداشته باشد هیچ دستی ولو خطرناک‌ترین آنها نیز نمی‌تواند کسی را تحریک و یا تحرای نخواستہ اغفال نماید (صحیح است - احسنست)

مردم ایران اعتقاد دارند آنهایکه دانسته و ندانسته باین آتش دامن زده‌اند. آنهایکه مصدر کاری بوده‌اند و مردم را ناراضی کرده‌اند آنهایکه با معتدات و مبانی مذهبی و اخلاقی مردم بازی کردند. آنهایکه با بکار گماردن اشخاص غیر صالح موجبات ناراحتی مردم را فراهم کردند. آنهایکه اقتصاد تورمی بایران ارزانی داشتند. آنهایکه کشاورزی مملکت را بصورتی درآوردند

که در حکم عدم است. آنهایکه با تجاوز بحقوق عمومی جان و مال دیگران آسایش را از مردم سلب کردند و آنهایکه بنام برنامه ریزی برنامه‌ترین اجتماع را بوجود آوردند و آنهایکه فرهنگ و آموزش و پرورش ما را از حیث معنوی و کیفی به قهقرا کشاندند و بالاخره آنهایکه بنحوی از انحاء در بوجود آمدن این موج مخالف و ناراضی دست داشته‌اند مسئول این فجایع و کشتار و جنایات هستند. مردم ایران اعتقاد دارند که اینگونه افراد دست اندر کاران گذشته باید حساب پس بدهند و دروازه‌های مملکت برای جلوگیری از خروجشان برویشان بسته گردد و مورد محاکمه قانونی و صحیح قرار گیرند و ما نمی‌گوییم همه دزد بودند ما نمی‌گوییم همه خائن بودند و ما نمی‌گوییم همه در این کارها دست داشتند ولی می‌گوییم که همه باید محاکمه شوند تا حق از باطل تمیز و نواحق به شدیدترین مجازات‌ها محکوم گردد (صحیح است) چه ما جز شاهنشاهی که میدانیم همیشه و همه وقت بفکر وطن و ملت نجیب ایران است بکسی اعتقاد و اعتماد بلا شرط نداریم و شاهنشاه ما در مصاحبه‌ای فرموده‌اند که در گذشته اشتباهاتی رخ داده است. مجریان و عوامل این اشتباهات باید شناخته و محاکمه شوند.

جناب شریف‌امامی اگر شما این کار را انجام ندهید «که خوشبختانه شروع کرده‌اید» خدمتگذار واقعی ملت و شاهنشاه نیستید چه مردم و شاهنشاه بالاتفاق می‌گویند که در گذشته اشتباهاتی رخ داده است و میدانید که اشتباه از جانب یک دولت که سرنوشت ملت از نظر

اجرائی در دست اوست غیر قابل بخشش است. بزرگترین اشتباه گذشته این بود که افرادی را که سابقه سیاسی روشنی نداشتند به حساسترین کارها گماردند و اغلب آنان و دست نشاندهانشان چنان نهال ناراضی و عدم اعتماد را آبیاری کردند که بصورت درخت تنومند امروزی درآمده است. جناب شریف امامی حال که از زبان یک نماینده مجلس علل ناراضیها و هیجانات مردم را شنیدید و در این موقعیت احساس باعتماد من با فداکاری قبول مسؤلیت کرده‌اید بر شماست که مانند یک طبیب با تجربه شروع بمعالجه این بیمار بکنید و آنچه که بعنوان توصیه عرض می‌کنم خواستهای مردم شراکتند ایران است که امیدوارم به آنها توجه کافی مبذول دارید.

۱ - صمیمانه تصمیم بگیرید که در هیچک از شئون و در هیچ مورد و موضوعی مردم دروغ و خلاف واقع نگویید و حقایق را همیشه آشکار و بیان نمائید و از گزارشات نادرست و دروغ پرهیز نمائید. چه مردم انتظار دارند که از رئیس دولت خود همیشه واقفیت را بشنوند و مطلب خلاف واقع بالاخره روزی برای مردم روشن میشود و وای روزیکه مردم به سخنان یک نفر اعتماد نکنند.

۲ - در کارها و اقدامات و انتصابات تظاهر نکنید چه مردم تظاهر را خوب وزود میفهمند و خط بطلان بر چنین اعمال میکشند. نکات مثبت و منفی خصوصیات جنابعالی راهمه مردم ایران خوب میدانند و میشناسند لزومی نداشت در معرفی شما باجداد محترمان اشاره شود. این قبیل کارها در نظر مردم نتیجه معکوس دارد که امیدوارم دیگر تکرار نشود (صحیح است - احسنت).

۳ - در انتصابات، اشخاص و افراد خوشنام و خوش سابقه و قابل اعتماد را مورد انتصاب قرار بدهید و بی آنکه به جد چشم فلان استاندار اشاره شود (صحیح است) فقط سعی در گزینش بهترینها بعمل بیاید و حتی معتقدم در حال حاضر نیز باطراف خود دقیقاً توجه فرمائید و کسانی که در گذشته موجبات ناراضی مردم را بحیثی از انحاء فراهم ساخته و یا مورد اعتماد نیستند از خود دور و ببرد را خشنود نمائید.

۴ - ضابطه را جایگزین رابطه بکنید و این امر را در تمام سطوح مملکتی تسری بدهید و اجازه نفرمائید که نور چشمان تازه از فرنگ برگشته جای اشخاص با تجربه و با فضیلت را بگیرند.

۵ - بهیچ دسته و طبقه‌ای از اقاق بیجا و بی منطقی (چه لفظی و چه عملی) نکنید. چه این ارفاق هادر ذهن

مردم بصورت رشوه تلقی میشود و با این وضع انتظارات بیمورد بالا میرود و آنده به بیکارگی و رشوه گیری عادت میکنند.

۶ - در تمام سطوح تبعیض را از بین ببرید و این کار را چه از حیث پست و شغل و چه از حیث مالی و مادی بشدت اجرا کنید.

۷ - تأمین عدالت اجتماعی را در اولویت قرار دهید و فاصله طبقاتی و اختلاف درآمدها را بحد افول ممکن برسانید و با اعمال سیاستهای صحیح مالیاتی مردم را معتقد به عدالت اجتماعی بکنید.

۸ - برافه طبقات کم درآمد توجه خاص مبذول و نگذارید عقده ندراری قلب و روح آنها را منفجر و بهر چیزی غیر مؤمن و بدین بکند.

۹ - مردم آزادی و حق بیان و قلم در حد قانون اساسی بدهید و باین کار تظاهر نکنید چه آزادی گفتن و اندیشیدن از حقوق طبیعی هر فرد است و اگر مضربحال جامعه نباشد نباید از آن جلوگیری بعمل آید.

۱۰ - متجاوزین بحقوق عمومی و اهمال کاران و ناراضی تراشان را طوری تنبیه بکنید که موجب تنبیه شود و در این راه هیچگونه تبعیض و گذشتی معمول ندارید.

۱۱ - مسببین وقایع اخیر و محرکین آنها را در هر لباس و مقام و مکانی که باشند هر چه زودتر شناسائی و بادلائل و صریحاً بمردم معرفی نمائید. خصوصاً مردم بیصبرانه در انتظار روشن شدن قضیه آتش سوزی سینما رکس آبادان و استماع اظهارات شخص دستگیر شده هستند (صحیح است).

مطالبی که بعضی رسید ابتدائی ترین خواستهای مردم و ضروری ترین مسائل در رفع ناراضیهاست که بدون توجه به یکایک آنها رفع بیعدالتی و ناراضیها غیر ممکن است.

جناب شریف امامی آنچه که در برنامه دولت بان تأکید شده است مسئله آزادیهاست که بلا تردید مورد قبول و تأیید عامه میباشد. بطوریکه قبلاً نیز عرض کردم این حق طبیعی مردم است که آزادیهای مقرر در قانون اساسی را داشته باشند و هرگونه تضییقات در این امر موجب تجری و عصبیان مردم و عدم اعتمادشان خواهد بود و کارها و گفته‌ها و نوشته‌های زیر زمینی و بحرمانه از یاد پیدا خواهد کرد و با توجه باصل غیر قابل انکار (حریص بودن برای چیزیکه منع شده است) اشتیاق و ذوق

مردم برای گفتن و شنیدن و نوشتن ممنوعات بیشتر خواهد شد و مطالبی نوشته و گفته خواهد شد که شاید خلاف حقیقت هم باشد و لیس چون ممنوع است مردم بیجان خواهند پذیرفت. اینست که از دولت جنابعالی که برنامه خود را بسط آزادیها قرار داده و چند روزی نیز به ثبوت رساندید تشکر می‌نمایم و امیدوارم بعد از رفع مشکلات فعلی باز شاهد تجلی این هدف باشیم و باشد مردمیکه امروز به ناباوری گرائیده‌اند بالمس آن اعتقاد پیدا کنند.

ولی مطلبی که در مورد آزادیها با توجه بمشاهدات عینی خودم باید بگویم اینست که ملت ایران بشما اجازه نمیدهد که این آزادیها را از حد قانون اساسی بگذرانید هر کس در حدود قانون اساسی و با توجه باصول مقدسه آن آزاد در قلم و بیان و اجتماع است ولی مقدسات ملی ما یعنی مذهب و دین ما و تمامیت ارضی ما و استقلال ما و رژیم شاهنشاهی ما نمی‌تواند بازیچه مورد اهانت هیچ فردی قرار گیرد و ملت ایران از شما میخواهد که اجازه ندهید این سه رکن و اصل مقدس ما مورد تجاوز و اهانت قرار گیرد. هر کس ادعای کند که رعایت قانون اساسی را میخواهد باید باین اصول مقدس احترام گذاشته و مؤمن باشد و گر نه دشمن قانون اساسی است نه دوست آن.

حال که صحت از قانون اساسی و رژیم شاهنشاهی ایران شد لازم بیادآوری است که ملت ایران رژیم شاهنشاهی را تنها حافظ استقلال و تمامیت ارضی ایران میداند و در تمام ادوار پرنشیب و فراز تاریخ این حقیقت بروشنی ثابت شده است و همیشه تجزیه طلبان و دشمنان استقلال ایران برای نیل به هدف ناسیون خود اولین حمله و هدفشان شاهنشاهی ایران بوده است و هر جا که صحت از مخالفت با این مقام معنوی و مقدس پیش می‌آید مطمئن بدانید که دست اجنبی و تجزیه طلب از آستین دیگری بدر آمده است. و اما آنچه وظیفه ما را در مقابل این رژیم و مقام معنوی و منزه سنگین تر می‌کند اینست که فقط زنده باد شاه گفتن و وطن پرستی و شاه دوستی نیست (صحیح است) این اعتقاد باید در سلولهای بدن ما جا گیرد و مثل جان از آن محافظت و نگهداری کنیم. متأسفانه در سالهای اخیر دیده‌ایم که عده‌ای در لباس شاهدوستی و وطن پرستی بزرگترین خیانتها را بایران عزیز و مقام شامخ سلطنت انجام دادند. آنهایکه هر جا نشستند و برای انجام هر کار کوچک و مقاصد خود از خود جمله معروف «بامر شاهنشاه» را اضافه کردند و در لوای

مهندس ظفری - عذاب دنیوی هم بخواهید.

نظمی - و از شما جناب شریف امامی بعنوان یک ایرانی وطن پرست و شاهدوست میخواهم که دقت کافی در رعایت همه جانبه این مطلب فرموده و دستور لازم باطرافیان و دستگاههای عالی اجرائی بدهید.

و اما مطلبی که عمیقاً باید بان توجه شود موضوع قوه مقننه مملکت و احترام باین قوه و حفظ و تقویت آن و ایجاد رابطه صحیح بر اساس قانون اساسی با قوه مجریه است که قسمتی بعهده خود مجالس مقننه است و فعلاً خارج از بحث ماست و قسمتی مربوط با ایجاد باور و اعتقاد در دولت و وزراء نسبت باین قوه و قبول موضع واقعی آن و احترام به قانون اساسی است. یک وزیر نباید بداند که یک نماینده مجلس اطبق قانون نماینده تمام ملت ایران و عملاً نیز نماینده یکصد هزار نفر از مردم این مملکت می‌باشد و باید بداند که آنچه یک نماینده میگوید

و با میخواست و تعقیب می‌کند و فریاد میزند بعنوان یک فرد نیست و این حرایت از طرف یک منطقه و فریاد یک دسته عظیم اجتماع است که باید در حدود قانون آن عمل نمود (صحیح است) عدم توجه به خواست نماینده مردم وعدم قبول نظرات و نظارت قانونی قوه مقننه در واقع عدم توجه به قانون اساسی است. اگر وزیری واقعاً می‌خواهد مردم خدمت کند و از نظرات مردم آگاه باشد و رضایت مردم را جلب نماید در درجه اول باید با همکاری و جنب مشارکت و نظر نماینده که در واقع نظر مردم است اقدام نماید ولی متأسفانه در گذشته شاهد بودیم همچنانکه هیچ چیز توجه صحیح نهد موضع قوه مقننه و نمایندگان ملت نیز نادیده گرفته شد جز بعضی روابط شخصی و خصوصی در اکثر موارد حتی پاسخ نامه‌های نمایندگان داده نشد و خواهشهای مردمی و قانونی آنان زیر پا گذاشته شد که در نتیجه علاوه بر ندریده انگاشتن قانون اساسی اصولاً فاصله بین مردم و دستگاههای اجرائی بزرگتر و عقبتر شد. وزراء از حرف حق و اظهارات و ایرادات منطقی و قانونی نمایندگان رنجیده و کینه بدل گرفتند و حتی در مواردی نمایندگان مورد تهدید وزراء واقع شدند. تعجب نکند حرف بی‌مأخذ نمی‌زنم و برای ایجاد باور و قبول در شما دومورد را نسبت به خودم اتفاق افتاده است توضیح میدهم. اول آنکه یکی از وزراء مشاور سابق چند بار با الفاظی و جمله پردازی و اما بسیار صریح و روشن اینجانب را بخاطر مطالبی که در مجلس عنوان کرده و یا بوزراء نوشته بوده مورد تهدید قرارداد و گفت اگر این مطالب تکرار شود دوره آینده نخواهند گذاشت من کاندیدا و نماینده بشوم که البته بنده جز خنده پاسخی ندارم. دیگر اینکه یکی از وزراء که فعلاً نیز در ردیف وزراء نشسته است در جلسه رسمی کمیسیون بودجه در قبال ایرادات و انتقادات اینجانب موقعیکه از ناراضی تراشی‌ها و بازنشسته کردنها و انتصابات بی‌مورد صحبت کردم و گفتم که متأسفانه در بیست‌ساله اخیر (دکتر مشیر - فرمائید در دو کابینه) برخلاف انتظار پیشرفتی از لحاظ معنوی و کیفی در وزارتخانه‌اش دیده نمی‌شود بنده را تهدید کرد که گفته‌هایم را بعرض خواهد رساند و مسلماً توجه معنی این حرف هستید. در واقع تهدید و پرونده سازی برای نماینده‌ایکه در یک جلسه رسمی مجلس عقیده خود را ابراز داشته است. در نتیجه یعنی زیر پا گذاشتن قانون اساسی وعدم توجه به تمام اصول قانونی. و هیچ شمردن و تحقیر و موضع قوه مقننه و اعمال نظارت آن. البته من

آروز با صلاحدید رئیس کمیسیون جوابی ندادم که حمل بر هیچ مطلبی نشود ولی جناب شریف‌امامی بنام مردم از شما می‌خواهم دستور فرمائید این قبیل افراد باین گونه افکار و هتک حرمت‌ها و تحقیر و بی‌اعتنائی بقانون اساسی خاتمه داده و از پرونده‌سازی دست بردارند. (صحیح است) **دکتر مشیر** - اجرا نیامدید دولت را استیضاح بکنید؟ **نظمی** - و اما در مورد بخش‌های مختلف برنامه دولت بسیار خوشحالم که اولین بخش اختصاص بکشاورزی دارد و همانطوریکه فرمودید اولویت خاص باین بخش داده شده است. تردیدی نیست که توسعه کشاورزی و رسیدن بخود کفائی نسبی و بی‌نیازی از واردات مواد اساسی کشاورزی بزرگترین برنامه‌ایست که در حال حاضر هردولتی باید در مدنظر داشته باشد و واقعاً مطالبی که بعنوان برنامه نوشته شده است در حد خود کامل بنظر میرسد ولی همانطوریکه اول گفتم برنامه‌ها همیشه خوبند. ولی امیدوارم دولت جنابعالی خصوصاً وزیر خوشنام کشاورزی بتواند مجری خوبی برای این برنامه‌ها باشد. مطلبی که باید در مورد حمایت از قیمت محصولات کشاورزی بعرض برسانم اینست که قیمت محصولات کشاورزی در حال حاضر با توجه به قیمت تمام شده و با مقایسه درآمدها و سود ویژه بخش‌های غیر کشاورزی بسیار ناآزاد و در واقع سود ناچیز و نا کافی در بردارد با اینکه در مورد گندم تصمیم بجائی اتخاذ شده است ولی لازم است در مورد سایر محصولات نیز تصمیماتی اتخاذ و تضمیناتی داده شود تا کشاورزان راغب به کشت و تولید بیشتر گردند بطور خلاصه منظور اینست که یک تعادلی بین درآمدهای کشاورزی و درآمدهای غیر کشاورزی ایجاد گردد تا روستاها تخلیه نشده و کشاورزی زا کد و بی‌بهره نگردد. مطلب دیگری که قابل بحث است و من در برنامه دولت ندیدم مسئله ایجاد تعادل بین تقاضا و نیاز و کشت و تولید هر محصول است که مانند امروز یکسال مواجحه با وفور و ارزانی و یکسال مواجحه با کمیابی و گرانی نباشیم که در هردو صورت ضرر و زیان کشاورزان را در بردارد و البته می‌توان با اجرای سیاست‌های صحیح جواز نقدی و جنسی و قیمت‌های خاص منطقه‌ای کشت هر محصول را تحت کنترل و نظارت نسبتاً مطمئن در آورد. متأسفانه خدماتیکه وزارت کشاورزی ارائه میدهد بسیار ناقص و غیر قابل قبول است. کمک‌های فنی تقریباً وجود ندارد و ماشین‌آلات گران و لوازم یدکی گرانتر و کمیاب است و امه‌های کشاورزی بدرستی و بجا داده نمی‌شود و مشکلات تشریفات و اداری آن زیاد است و بالاتر از همه

بهره‌وام کشاورزی با توجه به نسبت برگشت آن باید باین ترتیب از این باشد. **بنده** روزی از پشت همین تریبون گفتم که کشاورزی ورشکسته ایران متأسفانه کار را بجائی رسانده است که در دور افتاده‌ترین مناطق کشاورزی این مملکت اگر سرفره یک کشاورز ایرانی بنشینید گندم آمریکائی برونج با کسانسی سیب زمینی هندی و نخود ترکیه و گوشت استرالیا و لوبیای رومانی و پنیر بلغاری و کره هندی و مرغ آلمانی و تخم مرغ اسرائیلی و میوه لبنانی خواهید دید و چیزیکه شاید اصلاً نتوانید ببینید تولیدات ایرانی است و با کمال تأسف پس از دو سال تغییر چندانی در اوضاع نمی‌بینم. مطلب مهمی که مورد درخواست زارعین صاحب نسق دیروز و خرده مالکین و دهقانان امروز است اینست که اجازه داده شود آنان بتوانند زمین‌های خود را مستقل و بی‌بصورت رهن و وثیقه مورد استفاده قرار دهند چه اگر آنها را مالک زمین می‌شناسیم باید آثار مترتبه بر مالکیت در مورد آنها نیز مترتب باشد و مالکیت مشروط و محدود معنی ندارد. خصوصاً اینکه عملاً با اسناد عادی زمینها مورد معامله قرار نمی‌گیرد و این مطلب را همه میدانند چرا ما واقعیت را ببینیم ولی قبول و باور نکنیم این سیر طبیعی است در یک اقتصاد آزاد کشاورزی عرضه و تقاضا و تولید و مصرف حاکم می‌باشد و این نقل و انتقالات آقدر انجام می‌گیرد تا میزان وساحت سودآور هر محصول با وضع هر خانواده نسبت بزمینی که بدست می‌آورند تطبیق پیدا کند. امیدوارم این کار مورد مطالعه قرار گرفته و لایحه مربوطه بمجلس تقدیم گردد. از مسائل مهمی که مجبور به تکرار آن هستم مسئله مراتع است. متأسفانه عملاً ندیدیم که مراتع حشم‌داران و روستائیان بعنوان مراتع ملی از دستشان خارج و در بعضی موارد تبدیل بساختمانهای خصوصی و دولتی و در بعضی موارد دیگر مورد استفاده اشخاص ذینفوذ قرار گرفت و ناراضی شدیدی بوجود آورد و شکایات مردم نیز مثل همیشه بجائی نرسید. خصوصاً اینکه در بعضی موارد اصلاحات ارضی طبق قانون خود زمین را بکشاورز داده بود و پس از سالها منابع طبیعی آن زمین کشاورزی برسیت شناخته شده را ملی اعلام و از دست زارع صاحب نسق گرفت. باین مسائل که ریشه‌های فساد در آن مشهود است باید عمیقاً توجه شود. بطور خلاصه وزارت کشاورزی باید متعرب و متحول باشد و چون نکه زهر را نیز مورد توجه قرار دهد.

بمنظم رابطه صحیح بین جبهه کاران و جبهه صاحبان نظر. مورد استعمار قرار گیرند. حل مشکلات برونج ارضی و چابکاران و باغداران و بازاریابی با قیمت عادلانه برای خشکیار و سره و خرما و پسته و نظائر آن با پرداخت جواز صادراتی و توجه بمسائل دامی و حیضات آن و رقابتی روستائیان و کم کردن فاصله آن با شهرها. البته گمنی در مورد کشاورزی زیاد است که همه را فرصت‌های دیگر می‌گذارد. در مورد برنامه وزارت دادگستری هر چند خیلی خلاصه نوشته شده است ولی حاوی مطالبی است که قابل توجه است و هر صاحب نظری را خوب حال می‌کند که بالا برویم آنها استقلال واقعی قوه قضائیه است. امیدوارم این مطلب از حد وعده بگذرد و عملی گردد چه در هر محلی دموکراسی واقعی و عدالت حقیقی آن جامعه را با میزان قدرت و استقلال قوه قضائیه‌اش می‌توان سنجید و مسلکی که قوه قضائیه مستقل و قوی نداشته باشد عملاً یعنی دموکراسی و عدالت در آن اجتماع ضعیف است. وزیر دادگستری که خود عضو قوه اجرائیه مملکت است باید فقط هم‌اندک ننهد و مدبر اداری باشد و در کارهای قضائیه همانطور که قانون هم معین کرده است بهجوجه دخالتی نداشته باشد. بحکم مقام معنوی قضاوت شریف در اجتماع و تأمین نیازهای مادی آنان در حد شأنشان باید کاملاً مورد توجه قرار گیرد. چیزیکه امروزه حقوقدانان بآن متوجه و در اوضاع معترضه مسئله صلاحیت دادگستری است که طبق قانون اساسی صلاحیت عام دارد و عملاً و تدریج با قوانین مختلف این اختیارات و صلاحیت‌دانی و اساسی آن به مراجع دیگر واگذار شده است. در واقع دادگستری احتیاج بتوسعه صلاحیت ندارد بلکه باید صلاحیتش طبق قانون اساسی اعاده گردد که امیدوارم این دولت بتواند با تقدیم لویحی بمجلس این فرصه را رفع نماید. توجه به وضع رفاهی کارمندان دادگستری و ثبت مورد درخواست عمیق است و امیدوارم این همکاران قضات و زمینگشایان نیز از رفاه کامل برخوردار شوند اما مهمتر از همه اجرای واقعی عدالت و تسریع در احقاق حق مردم و تیز کردن مشیرو فرشته عدالت برای تسویه متجاوزین به حقوق عمومی است (صحیح است - احسب) مطلبی که در مورد استقلال قضاوت لازم شد ترمیم شد اینست که اجازه بدهد قاضی با استقلال فکری کامل و بدون توجه به تأثیر صاحب و مصالح دیگر کار قضائی خود را بطور و طبق قانون و با استیضاح قضائی خود انجام

دهد و تنبیه و انتقام قضات به علت رأی که دور از اغراض داده است موقوف گردد. متأسفانه در دولت گذشته این مطلب رعایت نشد و برای مثال یکی از قضات شریف رضایی به علت اینکه در یک حکم کمیسیون امنیت اجتماعی بحق در اقلیت دائر بر برائت مانده بود بوسیله وزیر وقت تهران احضار و جیرا از او تمایل به انتقال اخذ شد.

این قبیل کارهای خلاف قانون اساسی و اصول قضائی مانع استقلال کامل قضائی و موجب نگرانی قضات از سرنوشت و آیندشان بوده و مسلماً در آراء صادره نیز مؤثر و در نتیجه باعث بیعدالتی خواهد شد. با مید استقلال واقعی قوه قضائیه و باید اجرای عدالت در انتظار لوایح دولت هستیم.

در مورد برنامه وزارت آموزش و پرورش و تربیت نسل آینده مملکت و بازآوردن مردان کارآمد فردا مسلماً گفتمی زیاد است. در حال حاضر بنده با وضعی که میبینم جز اینکه دعا بکنم چاره دیگری ندارم ولی نمیتوانم از اظهار این حقیقت چشم پوشی بکنم که تا امروز مادر تربیت و ارشاد نوباوگان و جوانان خود توفیق چندانی نداشته ایم. آموزش و پرورش در تارهای انبوهی که دورش تنیده و همچنان در گیرودار تهیه کتاب و سه وعده کردن مدارس و نظایر آن است که نباید هم انتظار داشت بررسی و نیل بآنچه که جامعه ما امروز بان نیاز دارد وقت و حوصله داشته باشد. هر وزیر یا برنامه جدید و خود ساخته و یا اقداماتی از قبیل بازنشسته کردن و نقل و انتقالات شخصیت های اصیل فرهنگی خودی نشان میدهد و با کارهای نمایشی و جمع کردن طومار و دادن آمار خود را ارضاء مینماید. معنویات و مسائل مذهبی و ملی و میهنی چنان فراموش شده است که نتیجه آنرا در سنین بالا و

در جوانان بخوبی مشاهده و لمس میکنیم. پرورش عملاً هیچ است و آموزش و پرورش میکوشد با ارائه آمار نشان بدهد که تعداد محصل زیاد شده است. این یک امر طبیعی و اجتناب ناپذیر است چه همه میخواهند درس بخوانند و از طرف دیگر با پول مملکت میتوان مدرسه ساخت و بدون توجه بمسائل اساسی و بنیادی معلم استخدام کرد در این میان تنها چیزیکه احتیاج بدقت و برنامه و مجاهدت دارد ساختن روح و فکر جوانان است که فقط همان نیز فراموش شده است. در اینجاست که من میگویم چاره ای جز دعا ندارم. در مورد تغذیه رایگان بی آنکه بخواهم عظمت و عمق این مطلب را کتمان کنم متأسفانه باید بگویم که وزارت آموزش و پرورش مجری خوبی برای این فرمان نبوده است. عدم رضایت

عامه باید بما این شهادت را بدهد که به ضعف خود اقرار و اعتراف بکنیم و بی تظاهر و مبالغه واقعیت را بعرض همایونی برسانیم و فرضاً بمدت پنجم اعتبار مربوطه را برای احداث مدارس جدید اختصاص بدسیم و در این مدت نیز خود را برای اجرای واقعی فرمان آماده سازیم. این مسئله را اینجانب بارها در مجلس و کمیسیونها گفته ام ولی هیچوقت گوش شنوائی نبوده است (صحیح است).

اما در مورد تعلیمات اجباری با کمال تأسف باید بگویم نه تنها توفیق چندانی نداشته ایم هنوز هم در هر گوشه این مملکت نوجوانان واجبه التعلیم بیسواد فراوانند و آنوقت با صرف هزینه های گزاف بزرگترا و پیرمردها را از کار و زندگی باز میداریم تا بانها «آب بابا بار» یاد بدهیم. البته اگر اجرا شود ایده آل است ولی جناب شریف اسامی ما متأسفانه آنقدر ایده آلی فکر کردیم که در بعضی موارد از کارهای اصلی بازماندیم و امروز دیگر باید بواقعیتها توجه بیشتر مبذول شود.

مردم انتظار واستدعا دارند از مضاد غیر عادلانه اموال آنها خودداری شود. منظوم خرید مدارس استیجاری است و عدالت و رعایت حقوق فردی اشخاص ایجاب میکند که در این مسئله تعدیل و کسانیکه مایل بفروش نیستند آموزش و پرورش از خرید ملک آنان خودداری نماید. چه اینان جرمی غیر از اجاره دادن ملک خود بآموزش و پرورش و کمک بان دستگاه مرتکب نشده اند و بمصلحت مملکت نیست در تمام سطوح با این کارها ناراضی تراشی نموده و بحقوق حقه مردم تجاوز بکنیم. (صحیح است).

در مورد آموزش عالی امیدوارم وعده ها عملی گردد و شاهد سالهائی مثل سال گذشته در دانشگاهها نباشیم. برنامه مسکن و شهرسازی ظاهراً خوب است و اولویت دادن به مسکن و خانه های سازمانی طبقات کم درآمد معقول است و امیدواریم بتوانید این مشکل را از پیش پای مردم بردارید امروز بطور متوسط بیش از پنجاه درصد درآمد مردم صرف تهیه مسکن میشود و این اقتصاد خانواده ها را متزلزل مینماید. مطلبی که لازم بیادآوری میدانم وضع طرحهای جامع شهرهاست که بلائی جان مردم و شهرداریها شده است. شهرداریها با وضع مائتی بد که دارند قادر با جرا آن نیستند و مردم نیز سالها در بلا تکلیفی و عدم رضایت بسر می برند. تجدید نظر کلی در مقررات مربوطه و دادن اختیار کامل بانجنم

های شهر برای تطبیق با نیازها وامکانات محلی کاملاً ضروری است. اولویت راههای فرعی و روستائی در برنامه راه و ترابری و اتصال خط آهن بمراکز تمام استانها قابل تردید نبوده و مورد خواست مردم است.

در برنامه وزارت نیرو بالاترین اهمیت و اولویت با مهار کردن آبهای سطحی و زیرزمینی و جلوگیری از ضایعات آنست چنه تنها مسئله آب در امور شهری و صنعتی مورد نیاز شدید می باشد اصولاً از آنجا که کشاورزی در برنامه دولت از اولویت خاص برخوردار است و کشاورزی مطمئن بدون آب امکان ندارد لذا توجه هرچه بیشتر لازم است از آنجا که در این مورد قبلاً سؤالی از دولت کرده ام بقیه بحث را به هنگام طرح سئوال در مجلس میگذارم. تنها توصیه من اینست که بوضع آب بهاء کشاورزان برسید و نگذارید این وجه برخلاف قانون وصول و برخلاف قانون هزینه شود. تقریباً کشاورزان همه نقاط از این مسئله ناراضی و شکایت دارند.

در مورد برنامه های امور اقتصادی و دارائی تأمین عدالت اجتماعی با برقراری سیستم صحیح مالیاتی و توجه با اعتراضات منطقی مؤدیان مالیاتی و عدم وصول جرائم اعتراض و رسیدگیهای مراحل بعد مورد درخواست اینجانب است چه اگر ما بخواهیم با فشار آوردن بمردم و جلوگیری از اعتراضات آنها بعلمت وجود جرائم سنگین اجازه ندهیم حرف خود را بزنند و با تشکیل کمیسیون های نه چندان اصولی با اعتراضات قانونیشان توجه نکنیم. مسلماً این تأمین کنندگان قسمتی از درآمد عمومی ناراضی و معترض شده و حتی الامکان از پرداخت چنین مالیاتی سرباز خواهند زد. در مورد سازمان امور اداری و استخدامی کشور عده ای عقیده دارند که اساساً سازمان زائدی است و از وقتیکه تشکیل شده تنها نتوانسته مشکلات سازمانهای دولتی را حل بکند بلکه مشکلی بر مشکلات دیگر نیز افزوده است و مردم میگویند که این سازمان عریض و طویل بربودجه مملکت تحمیل است. در حالیکه وزارتخانه ها خود با وجود ادارات کارگزینی می توانند راحت تر و آشناتر وظایف آن سازمان را انجام دهند. من امیدوارم در این مورد نیز مطالعاتی انجام و مجلس در جریان نتیجه آن قرار گیرد.

در مورد برنامه بهداری و بهزیستی آنچه که تا امروز از درمان گفته شده همه نارسائی و ناهم آهنگی و ناراضی بوده است وضع درمان تأمین خدمات درمانی مورد شکایت و اعتراض مردم است و حق ویزیت و درمان آزادگران است و مراجع درمان دولتی و میجانی نیز نتوانسته اند رضایت مردم را جلب کنند. مریض ها بین بیمارستانها سرگردانند

و کسی نیست آنها را راهنمایی و هدایت کند. پزشکان دولتی از حقوق کم می نالند و پزشکان شمال شهر هرچه خواستند می کنند و همانطوریکه بارها گفته ام در مملکت ما مسئول درمان مشخص نیست و از آنجا که وزیر بهداری و بهزیستی اختیاری در مؤسسات دیگر درمانی ندارد لذا در واقع نمی توان از او مسؤلیت نیز خواست.

در مورد بیمه ناراضی صدچندان است و هیچکس نیست که از وضع بیمه راضی باشد مردم میگویند تشخیص ها نادرست و نظرها غرض آلود و جرائم زیاد و کمیسیونها بکطرفه و بالاخره میزان آن نیز بالا و غیر قابل تحمل است و سی درصد حق بیمه غیر عادلانه و سودجویانه است (صحیح است)

امیدوارم با درک واقعیت ونه با جبهه گیری و قصد دفاع این مشکلات که از اهم مشکلات مردم و از علل اصلی ناراضی هاست سروسامان یافته و انشاء الله شاهد بهبود وضع باشیم.

پزشکیور - آن وقت شما بعنوان موافق با برنامه های دولت صحبت می کنید.

نظمی - جناب پزشکیور علل موافقت خود را هم خواهم گفت، جناب آقای شریف اسامی با عرض کلیه مطالب فوق و با وقوف کامل به نارسائیها و ناراضیها و علل اعتراضها و تشنجات مردم صحبت خود را در برنامه دولت جناب عالی بی پایان می برم و جهت استحضار شما میگویم مطالبی که امروز در مجلس گفته میشود ایرادات و انتقاداتیکه بیان میگردد بارها و بارها در همین مجلس گفته و تکرار شده است و ما پیش وجدان خود سرفراکنده نیستیم ولی آنچه البته بجائی نرسد فریاد است و بعلمت همین بی توجهیها و همان قانون شکنیها و عدم اعتناء بقوه مقننه و غرورها و خودخواهیها کار را بانجا کشاندند که مردم میخواهند خود حرف خود را بزنند و میخواهند خود حق خود را بستانند.

ولی جناب شریف اسامی امروز موقعیت مملکت حساس و خطرناک است. امروز دیگر نفاق و دودستی جایز نیست و امروز اتحاد و اتفاق برای از بین بردن مشکلات و وظیفه هرایرانی وطن پرست است لذا بدون آنکه بخواهم در مورد شکل دولت و یا خصوصیات جناب عالی و وزراء صحبت و احیاناً تأیید و یا تکذیب کنم بدولت جناب عالی بعنوان دولتی نگاه می کنم که در چند روز و در هر حکومت خود چندین کار خوب و مورد قبول مردم انجام داده است و از آنجا که برنامه نیز با تذکراتی که دادم خوب تهیه شده است و غرض رأی بر برنامه دولت حاضر است نه اعمال گذشته و یا اعلام این مطلب که در این موقعیت حساس

بالاخره یک سیاستمدار با تجربه باید زمام امور اجرایی مملکت را بعهده بگیرد بی آنکه بتوانم نگرانی خود را مخفی نمایم قصاص قبل از جنایت نمی کنم و برنامه شما رأی میدهم و مانند هر ایرانی وطن پرست دیگر در این موقعیت حساس امیدوارم که بر مشکلات فائق و در رفع نارضائیه و تقلیل هیجانات موفق باشید. ولی از پشت همین تریبون و بعنوان نماینده ملت قویاً اعلام می کنم که اگر مثل گذشتگان بگوئید و عمل نکنید و در آرامش و آسایش مردم نکوشید بنده اولین کسی خواهم بود که دولت جنابعالی را استیضاح خواهم کرد و مطمئن باشید که در چنان شرایطی اکثریت نمایندگان مجلس نیز بامن همصدا خواهند بود. (احسنت - احسنت).

رئیس - آقای دکتر طیب تشریف بیاورید.

دکتر حسین طیب - جناب آقای رئیس - همکاران ارجمند دولتی که بنام آشتی ملی! روز پنجم شهریور ماه بر سر کار آمد بعد از اعلام حکومت نظامی و ریخته شدن خون بی گناهان فراوان پس از ۱۴ روز برنامه خود را به مجلس شورای ملی اعلام کرد. من عمیقاً در این سوگواری ملی با احساس تألم و دردمندی با حوادث اخیر بویژه فجایعی را که در هفته گذشته روی داد به ملت ایران تسلیت میگویم.

اینک دولت با چنین کارنامه ای میخواهد از مجلس رأی اعتماد بگیرد! در اعلامیه ای که نخستین روز از سوی رئیس دولت انتشار یافت اشاره به موقع و موضع حساس جامعه ایرانی شده که با سامان درآیدن آن جز با همکاری همه نیروهای ملی و همه علاقمندان به استقلال وطن و تمامیت ارضی ایران امکان پذیر نخواهد بود.

در همین اعلامیه آمده است که دیوان سالاریها بوروکراسی نامتناسب چنان زمینه را برای فساد آموخت که اینک میهن ما را به پرتگاه میکشاند!

من امروز بعنوان مخالف و یارای کیبودی که خواهم داد در برنامه دولت صحبت میکنم و استناد به فزاینده اشاره شده در بالا میکنم و میگویم همکاری همه نیروهای ملی و همه علاقمندان به استقلال وطن و تمامیت ارضی ایران گرانبهارترین پشتوانه و عالی ترین منشاء قدرت هر حکومتی است که بخواهد توفیق بدست بیاورد، چه رسد به شرایط سخت و بحرانی و خطرناکترین گذرگاه تاریخ که امروز در اثر فساد تحمل ناپذیر و ممتد سالیان دراز و خیانت بسیاری از مسئولان و مجریان بر سر نوشت مملکت

ماتر گذاشته است - اما همکاری همه نیروهای ملی و همه علاقمندان به استقلال وطن و حفظ موجودیت و وحدت ملی امتیاز آسانی نیست که سهولت از سوی جامعه به هر کسی داده شود مردمی که سالیان دراز دروغ های بسیار شنیده و به ادعاهای فراوان گوش داده اند حق دارند اگر باور و اعتقاد خود را نسبت به حرف هایی که زده میشود و ادعاهایی که صورت میگیرد از دست داده باشند.

مسئولیت کامل این چیزها متوجه دروغگویی هائی است که همه مقدمات و ارزش های والا ای اجتماعی ما را ملعبه سودجویانه خود کامیگیا و قانون شکنی های خودشان نمودند و سرانجام بریش مردم پوزخند زدند! شاهد ناباوری و عدم اعتقاد جامعه شرایط خطیری است که دولت آشتی ملی! هنوز به مجلس معرفی نشده و هنوز سر نوشت و تکلیف قانونی او نامشخص است ناگزیر به اعلام حکومت نظامی در تهران و یازده شهر دیگر بمدت ۷ ماه میشود آنهم با خونهای بیگناه فراوان که روی زمین ریخته شد و ملت ایران را عزادار و سوگوار ساخت.

آیا مفهوم آشتی ملی و همکاری همه نیروهای ملی و همه علاقمندان به استقلال وطن و تمامیت ارضی ایران که اصلی ترین و مهم ترین تکیه گاه دولت جدید است همین حوادث و وقایع و اقداماتی است که در این ۳ هفته شاهد و ناظر بر آن بوده ایم و این دولت با چنین پیش در آمدی چگونه میتواند همکاری همه نیروهای ملی را بسوی خود جلب نماید؟! برنامه دولت در ۶۰ صفحه چاپ و توزیع شده است از یک مقدمه تشکیل شده و پس از معرفی یکایک وزراء هر وزارتخانه برنامه کار خودش را شرح داده است اما در شرایط خطیری فعلی به عقیده من مردم توقعات خیلی ساده، صریح و سریع از دولت انتظار دارند «دولت آشتی ملی بمعنای واقعی نه اتکاء به حکومت نظامی و گشودن آتش بروی مردم - دولت قابل قبول برای گروه های اجتماعی که زبان مردم را بفهمد و مردم هم حرف های آنها درک کنند و مشکل گشای مسائل ساده مردم باشد»

اگر دولت چنین ترکیب سیاسی و قابل اعتماد داشته باشد مسائل تکنیکی بخودی خود مشکلات لاینحلی نخواهند بود و دولت هم برای بقاء خودش نه تنها کمترین نیازی به قدرت نمائی حکومت نظامی و مقابله خشونت آمیز با مردم نخواهد داشت بلکه مردم از دل و جان چنان حکومت را در برابر هر حادثه و جریانی

جانبداری و حمایت خواهند کرد.

براستی چرا چنین شد؟ که بهترین فرصت ها و امکانات که در اختیار مملکت قرار گرفت بهدر داده شود و بجای آنکه عموم افراد ملت از آن بهره بگیرند زمینه را برای رشد قانون شکنی - بی عدالتی های اجتماعی - ثروت اندوزیها و توزیع نابرابر درآمدهای ملی و پروراندن زالوهای کثیف و خون آشام با ثروت های افسانه ای و بادآورده فراهم نماید که با زیر فشار گذاردن حقوق اکثریت گروه های شرافتمند جامعه ایرانی و ندیده گرفتن منافع حقه و حیاتی اکثریت مردم و ایجاد تورم زمینه نارضایتی و عصیان در قشر های گوناگون جامعه به اعلا ترین حد خودش برسد و چنین وقایعی بوجود بیاید (در این هنگام آقای اسحق نژاد طوماری بطول چند متر به جناب نخست وزیر تقدیم کردند) این شکایت از گرفتاری و ناراحتی های مردم جنت آباد تهران (غرب) بود که جناب اسحق نژاد به نخست وزیر دادند

سید الله افشار اواج - دوران طومار بازی سپری شده است. دکتر طیب - در جهانی که استعمارگران خون آشام از چپ و راست برای قطعه قطعه کردن و پاره پاره ساختن موجودیت ملت ها چشم به انتظار گشوده اند و با هم دست اتحاد و اتفاق می دهند تا این اندازه وحدت و موجودیت ملی ما را به مرزهای آسیب پذیری برساند؟...

در برنامه تقدیمی دولت سخن از تجدید نظر در قوانین ناراسا و احساس مسئولیت دولت حاضر در برابر ملت ایران شده همچنین با لحن ملایم! به اشتباهاتی که در گذشته چه در وضع و چه در اجرای قوانین شده نموده است، این برداشت محافظه کارانه متناسب با روحیات زمان مانیست مگر در همین مجلس در جلسه اول تیرماه بوسیله جناب پزشکپور رهبر حزب پان ایرانیست درباره استعمار مردم ایران و ایجاد تبعیض چه بگونه وضع قوانین غیر عادلانه و چه بگونه اجرای تبعیض آمیز قوانین صراحتاً اشاره نشد که برآشفته شدن مقام ریاست و ترک کرسی ریاست موجبات از اکثریت افتادن مجلس را فراهم ساخت! (همهمه نمایندگان) چه کسانی اکنون در بالا بردن دیوار سکوت و مکتوم ماندن حقایق و نتیجتاً گسترش نارضایتی تا سرحد عصیان در بین مردم احساس مسئولیت می نمایند. چرا بصراحت و قاطعیت قدم برنمیدارید و در برابر آنچه که مملکت را به چنین موقعیت رسانده احساس مسئولیت و گناه نمی کنید؟

تحمل یک چنان اشخاصی که رؤسای قوه مقننه سالهای اخیر ایران بیشترین سهم مسئولیت را در بوجود

آمدن وضع حاضر و مکتوم نگاه داشتن واقعیت ها را برعهده دارند، برای جامعه ای که در فرصت های کوتاه تحولات سریع، قاطع و بنیادی را طلب می نماید امکان پذیر نیست پس چه رأی اعتمادی از ملت می خواهید؟! این دیوار سکوت و مکتوم نگاه داشتن حقایق و سلب آزادی اجتماعات و قلم و بیان بدترین شرایطی را بوجود آورد تا آنها که به بیش از چهار میلیارد درآمد ملی چشم طمع دوخته اند، غارتگران و چپاولگران داخلی با همکاری استعمارگران رنگارنگ خارجی به خود کامیگی ها و غارتگری ها، حق شکنی ها و ندیده گرفتن قانون و حقوق عمومی ادامه دهند. (صحیح است)

برای چپاول و غارت هزاران میلیارد درآمد ملی مگس دور شیرینی در لباس دایه های دلسوز تر از مادر و مصلحت اندیشان گرم تر از کاسه آش در مواضع حساس مملکتی زیر کانه و حساب شده زخته کردند و با ایجاد خفقان و پرونده سازی برای مخالفان خود یکپه تازی کردند حتی در آن زمان که ضرورت های اجتناب ناپذیر جامعه ایرانی فضای باز و آزاد سیاسی را مطرح و عرضه نمود و میرفت که مجلس شورای ملی جلوه گاه انعکاس و بازتاب دهنده مسائل حقه و منطقی جامعه ایرانی باشد و مجلس بتواند با تمایلات واقعی جامعه پیوند طبیعی داشته باشد چگونه تعطیلات تا بهنگام مجلس به پیش کشانده شد و من شخصاً شاهد عینی بودم که در حین تشکیل جلسه ۱۷۷ در حالیکه گزارش کمیسیونها و دستور کار جلسه ۱۷۸ مجلس شورای ملی چاپ شده بود و در کازیه نمایندگان توزیع شده بود دستور مقام ریاست دستور جلسه آتی را از کازیه ها خارج ساختند تا باصطلاح بعلت نبودن کاری در دستور جلسه ۱۷۸ تعطیلات تا بهنگام تابستانی هرچه زودتر اعلام گردد! (اعتراض نمایندگان) همچنین برخلاف مقررات آئین نامه و سنت های پارلمانی بجای آنکه به اینجناب که از دو روز قبل آن در مجلس بیتوته کرده بودم و حق صحبت بامن بود اجازه صحبت داده شود به دیگری که در مجلس بیتوته نکرده بود و بهیچوجه و با هیچ بنطق و اعتبار حق تقدم نداشت اجازه صحبت داده شد که کار به اخطار نظامنامه ای در جلسه ۱۷۷ کشید!

شرایط حساس و خطیری که امروز در مملکت وجود دارد و وحدت ملی و موجودیت ما را به مخاطره میکشاند در اثر همین چیزها بوجود آمده است اکنون هنگام آن رسیده است که همه کسانی که در بوجود آمدن وضع

حاضر و ایجاد ناراضی وسیع و گسترده مردم مهم داشته‌اند بیای مؤاخذه و کفر ملی کشانده شوند (اسحق نژاد - صحیح است).

حتی اگر این فرصت را از زمین مجلس دریغ نمی‌داشتند تا به سؤالات مهم وجدی که نمایندگان حق پرست از دستگاه مجریه نموده بودند به موقع پاسخ داده شود کار به آنجا نرسید که یکی از صاحب نظران اجتماعی در مصاحبه با خبرنگاری فرانسه بگوید:

«نگرانی وجود دارد که ناراضی عمومی براحزاب مخالف فائق آید و در نتیجه هرامیدی برای اینکه آنها بتوانند حوادث آینده را شکل بدهند از بین برود و جریانی ناگهانی و خود بخودی نیرومندی بوجود بیاید که جز دنباله روی قابلیت کنترل نداشته باشد زیرا مانع از آن شدند که از طریق مطبوعات و یا متینگ‌های سیاسی (ومن اضافه می‌کنم حتی از پشت تریبون مجلس شورای ملی) نظرات سیاسی ابراز و بیان گردد».

سیف‌الله افشار - این سخنگوی ژرژ مارش بود. دکتر طبیب-دلنان را به همین حرف‌ها خوش کنید مگر در همین جلسه هشتم تیرماه (آخرین جلسه قبل از آغاز تعطیلات ناهنگام تابستانی) بهنگامی که نمایندگان اقلیت اظهار عقیده نمودند که در شرایط جاری مملکت تعطیل مجلس بصلاح نیست و باید حرف‌ها گفته شود و دستگاه‌های اجرائی برابر با اصل تفکیک قوا در برابر مجلس احساس مسئولیت بنمایند نبود که گروهی دیگر بیا خابستند و خیلی خودمانی بیان داشتند که در مملکت اتفاقی که قابل بحث باشد وجود ندارد! جز آنکه چند نماینده که جاه طلبی آنان ارضاء نشده و از حزب واحد کنار گرفته‌اند چون در جای دیگر برای سخنرانی تریبون در اختیار ندارند می‌خواهند از تریبون مجلس شورای ملی استفاده نمایند!

محمد نوری - کاملاً درست گفته بودند!

بهارلو - برو بوشهر، اگر مردم ترا راه دادند!

دکتر طبیب آن اتفاقات و حوادث که مملکت آستین آن نبود همین چیزهای اسفانگیزی است که متوالیاً وجود داشته و روزهای اخیر ناظر و شاهد بر آن بوده‌ایم و اعلام حکومت نظامی رادر تهران و شهرهای دیگر آنهم بسا مدت‌های طولانی و حوادث مرگبار و تأسفانگیز باعث گردیده است.

عکس العمل دستگاه حاکمه در برابر تنی چند از نمایندگان که بوظیفه ملی خود عمل نموده و افشاگر ریشه‌های عمیق ناراضی‌های عمومی بوده‌اند تضحیقات،

پرونده سازی و توطئه چینی بود تا آنجا که وزیر کابینه قبلی که در این کابینه هم متأسفانه حضور دارد! برخلاف قانون اساسی در یک اجتماع رسمی با حضور مقامات رسمی اظهار نمود: باید انتخاب آن عده از نمایندگان مجلس شورای ملی که اعلام عدم همکاری با رستاخیز نموده‌اند تجدید گردد! و متعاقب آن بلندپایگان استانها و مدیران کل و رؤساء اتاق‌های اصناف و منتظرالوکاله‌ها برای خوش خدمتی و چاپلوسی نسبت به تمایلات گردانندگان حاکم روز داد سخن بدهند و از هیچ فحش و ناسزاگوئی و هتاکی و بی‌احترامی و طومار سازی و جعل نگراف‌های ساختگی و توخالی و درج آن در روزنامه‌ها و انتشار آن در رادیو و تلویزیون دولتی بر علیه عده معدود از نمایندگان مجلس که افشاگر بخشی از واقعیات امور مملکتی بوده‌اند فروگذاری ننمایند این کارها برای چه بود؟ (احسن) آیا اختناق و بالا بردن دیوار سکوت حقایق و واقعیت‌های موجود مملکتی را در گون می‌ساخت؟ آیا این برده پوشی‌ها می‌توانست آبی بروی آتش ناراضی‌های سرکوب شده سالیان متمادی مردم که سالها در دل حبس شده بود بریزد؟ آیا جلوی تورم تحمل ناپذیر و بالا رفتن نجومی هزینه زندگی که اکثریت مردم شرافتمند تاب و توان خود را در برابر آن از دست داده بودند می‌توانست بگیرد؟ آیا چنان کارها و پرده‌پوشی‌ها از طریق خفغان و جعل گزارش‌های خلاف واقع می‌توانست جلوی فساد و اشخاصی فاسد را که دیگر در دزدی‌های خود به کمتر از ارقام نجومی به چیز دیگری تن درنمیدادند بگیرد؟

من در اینجا با صراحت عقیده خود را بگویم هیچ ایرانی شرافتمند و خیرخواه و آگاه و مبارز حق طلب و بی‌نظر با آشوب و بلوا و اغتشاش و ناامنی و ایجاد خسارت جانی و مالی برای اشخاص بیگانه و تأسیسات عمومی و یا خصوصی مملکت موافق نیست.

هیچ مصلح خیر اندیش جامعه را به مقابله خشونت آمیز و غیر مسالمت‌آمیز تشویق و ترغیب نمی‌کند این کارها و عملیات مسیر مبارزه ملی را از راه حقیقی که مطلوب همگان است منحرف می‌سازد.

دزدها هم بازار آشفته می‌خواهند و همیشه از آب گل آلود ماهی میگیرند.

رهبران ملی از هر گروه و دسته که هستند همگان را به آرایش و ادامه مبارزه از طریق قانونی دعوت مینمایند اما

تظاهرات و اعتراض‌های گسترده در اجتماع عوارض ناشی از علت‌ها و شرایطی است که باید آنها را شناسائی و چاره‌جویی اساسی و قاطع کرد (صحیح است) اگر علت‌ها و شرایط از بین برود عوارض و تظاهرات هر اندازه که تند و خشونت آمیز باشد فروکش خواهد کرد مسئولیت اصلی متوجه علل و شرایط و نضائی است که سالهای متمادی است وجود داشته تنها در ارتباط با یکی دو سال اخیر هم نیست مردم نمی‌توانند هم دم‌خروسی را به بینند و هم قسم حضرت عباس را قبول بنمایند (احسن) آنچه که مردم سالیان دراز است میبینند و احساس و لمس مینمایند با ادعاهای فراوانی که شده و باز هم میشود منطبق نیست.

اگر از من میپرسید میگویم که در مرحله کنونی سیاست قطره قطره و قدم قدم علاج کار جامعه ما نیست (صحیح است) بوسیله کسانی که مردم از آنها اگر حتی هنوز خاطره خوبی ندارند حتماً خاطره بدی نداشته باشند فوراً اقدام صورت بگیرد با نظم آشتی ناپذیر و محکم با فساد و فاسد مبارزه بی‌گیر و قاطع با کسانی که در هر مقام و بهر نام و بهر عنوان به حقوق مردم و اکثریت جامعه تجاوز نموده‌اند و به مؤاخذه کشیدن بیرحمانه کسانی که بیرحمانه برنامه‌های سازندگی مملکت ما را با شکست مواجه ساختند حسابرسی ملی گسترده و بی‌امان به ثروت ها و دارائی اشخاص چه در بخش عمومی و چه در بخش خصوصی و تعقیب یک سیاست قاطع اقتصادی در جهت حفظ حقوق و مصالح و منافع اکثریت جامعه و اتخاذ یک سیاست مستقل و صریح ایرانی در عرصه سیاست خارجی که بنیادهای آن برای همگان قابل فهم باشد یکباره عملاً روحیه جدید و خون تازه و نوری بر دم نشان داده شود که بازتاز و کردار گذشته کارگزاران آن در جامعه مغایرت نداشته باشد و اقدامات آینده هم جز اثبات صداقت و متعصب و متعهد بودن مسئولان حکومتی به تبانی یادشده چیز دیگری را نشان ندهد.

اگر این چیزها بشود عوارض و تظاهرات هر اندازه که تند و خشونت آمیز باشد فروکش خواهد کرد آشتی ملی بمعنای واقعی تحقق خواهد پذیرفت و پیشرفت‌ها و گشایش‌هایی بدست خواهد آمد که هزاریک آنهم از خشونت و سیاست سرکوب ساختن مردم بباخته نخواهد بود - اما این کارها که در این چند روز انجام گرفت کجا؟ و سیاست آشتی با مردم کجا؟! مردم باید احساس کنند بر سر نوشت آنها فضای سالم روحیه و شرایط دیگری

حکومت میکند که جز به صیانت از حقوق آنها و حفظ مصالح و منافع ملی آنها به چیز دیگری توجه ندارد. در غیر این صورت تغییرات ظاهری و صوری و بردن اشخاص و آوردن کسانی دیگر مسئله ایرا برای جامعه حل نخواهد کرد. (صحیح است).

مسئله اصلی جامعه ما تغییر صورت‌ها و شکل‌های ظاهری نیست مسئله اصلی جامعه ما تغییر محتوای اصلی اشکال ظاهری است که در هر صورتی می‌تواند وجود داشته باشد شهرداری بد صورت و شکلی است با محتوای بد اما شهرداری خوب می‌تواند با همان صورت و شکل با محتوای خوب وجود داشته باشد و جامعه هم بخوبی آنرا پذیرا باشد.

مردم بر اساس روحیه دستگاه‌های مسئول و شرایط و فضای حاکم بر جامعه داوری می‌نمایند نه بر اساس ادعاهائی که صورت می‌گیرد.

درجه شرایطی از احساس مسئولیت و وظیفه‌شناسی و هوشیاری و آگاهی مسئولان اجرائی در هر رده‌ای که فکرش بکنیم یک واقعه بهر دلیل و از هر منشاء که باشد می‌تواند تبدیل به یک فاجعه عظیم زنده زنده سوختن تا آنجا که بطور رسمی اعلام شده ۳۷۷ نفر در آتش سوزی سینما رکس آبادان بشود؟

اخلاق پور - ۱. نفرسوخته‌اند. **دکتر طبیب** - حتی اگر در یک حالت جنگی دشمن بسبب به روستاها و شهرهای بدون دفاع مملکت سرازیر بنماید نباید شهرها و روستاها و اماکن عمومی غیر نظامی و بدون دفاع ما تا این حد آسیب پذیر باشد و در یک جامعه مسئول ملی به عقیده من اگر چنین اتفاقی بیفتد حتماً جای مؤاخذه و بازخواست وجود خواهد داشت در چه شرایط و نضائی خالی از نظارت و مسئولیت ملی در جامعه این امکان بوجود می‌آید که نهادها و دستگاه‌های قانونی مملکت بهمه چیزها بپردازند الا بوظایف اصلی و ایفاء نقش‌هایی که قانون به آنها محول نموده تا شرکت‌ها و مؤسسات خلق الساعه در یک آشفته بازار که مطلوب دزدها و چپاولگرهاست مانند قارچ از زمین برویند و آزادانه اندوخته‌های مردم و پس اندازهای به زحمت بدست آمده مردم شرافتمند را به یغما بپزند؟!

نمونه‌ها فراوان است - کمتر مؤسسه‌ای در این سالهای طولانی در لباس‌ها و قیافه‌های گوناگون بوجود آمد که جز چاپیدن مردم هدف دیگری را دنبال نموده باشند؟

شرکت ساختمانی و اوان که این روزها اسمش بر سرانها بود یکی از این موارد است از این موارد فراوان هست. چگونه ممکن است مردمی زنده و متحرک وجود داشته باشند و در برابر این چیزها بی تفاوت و بدون عکس العمل بمانند؟

هم اکنون نیز قبل از آنکه در آینده سرو صدای مردم از دست نظائر مشابه بلند شود ب فکر چاره جوئی و حسابرسی بکار شرکتها و مؤسساتی که مردم پس اندازهای خود را تحویل آنان داده اند باشید اجازه ندهید افرادی که امانت دار مردم بودند بدون حسابرسی از مملکت خارج شوند! اجازه ندهید اینطور ارز مملکت سیل آسا خارج شود! اجازه ندهید که مردم بگویند چایبند و رفتند و کسی هم با آنها کاری نداشت!

مشکلات امروز محصول روزهای گذشته است اجازه ندهید که فردا هم مشکلات این مرحله حساس امروزی مسائل بسیاری پیچیده و مشکل برای جامعه ما بوجود بیاید و چرا باید خروج ارز از مملکت تا این اندازه آزاد و بسود کسانیکه میلیاردها ثروت ملی را چپاول کردند جریان داشته باشد که اینهمه ثروت های افسانه ای که خارجی ها را به تحیر واداشته از مملکت خارج بشود؟ اگر حکومت مسئول این چیزها و پاسخگوی این قبیل مسائل نباشد پس چه دستگاهی باید مسئولیت این چیزها را داشته باشد؟ مردم حکومتی را می خواهند که زبان آنها را بفهمد. مردم حکومتی را می خواهند که مسائل آنها را درک نماید.

مردم حکومتی را می خواهند که موجودیت و شکوفائی ملی را نگهدارند (صحیح است) مردم حکومتی را می خواهند که امکانات بارور ساختن استعداد های بالقوه و داده های خدای بزرگ که در دل خاک و نیروی انسانی مردم این مملکت نهفته شده فراهم آورد.

مردم حکومت را با تکیه کلام «خاطر مبارک آسوده باشد» نمی خواهند که یک دفعه چشم خود را باز نمایند و گوش آنها بشنود که بجای تکیه کلام «سن و امان» بگویند: مملکت در خطر است و مین به پرتگاه کشیده می شود مگر میشود یک شبه مملکت در خطر بیفتد و یک شبه کشور به لبه پرتگاه برسد؟ (احسنست) این مسئولان چشم و گوش بسته و بدون اراده در طول اینهمه مدت طولانی که حوادث مرتب در حال پیشرفت بود چه کسانی هستند و چگونه مواخذه و مسئولیت ملی می توانند آنانرا مورد بخشایش قرار دهد و اکنون کدام دولت از

مجلس رأی اعتماد می خواهد؟

مردم حکومتی را می خواهند که شرف و ناموس و جان و مال افراد جامعه را صیانت بنمایند.

حکومت ملی کار خودش را از آنجا آغاز می کند که خود کامگی های شخصی و فردی و حکومت قدرتی که در جنگل وجود دارد جای خودش را به قدرت مافوق تر یعنی حکومت ملی بدهد تا حکومت بتواند به نمایندگی از سوی جامعه با استقرار نظام عدالت اجتماعی عدالت سیاسی - و عدالت اقتصادی و جلب رضایت همگانی پیوندهای وحدت و یکپارچگی ملی را به اعلا ترین سطح آسیب ناپذیری برساند و با قدرتی که سرچشمه از تمامی نیروی جامعه میگردد در برابر هر نوع نیرنگ استعماری از هر شکل و رنگ که باشد تا واپسین دم ایستادگی و پایداری بنماید.

پایه و اساس حکومت ملی فضای مسئولیت و نظارت ملی است اگر چنین شرایط در پوششی دقیق و گسترده استمرار داشته باشد یک دامدار گنم و یا نظائر فراوان دیگر پیدا نخواهد شد که آزادانه و بیلامعاوض در فضای خالی از مسئولیت و نظارت ملی حمایت قدرتمندان را در سنگرهای حساس و مواضع قدرت بسوی خودش جلب نماید و با فشار و تحمیل و ارعاب و تهدید گوسفندها را به قیمت های ارزان از دامداران خرده پا خریداری کند و سازمان گوشت مملکت هم چشم و گوش بسته تیول چنان کسانی باشد از یک سو به زبان اکثریت مردم مصرف کننده و از سوی دیگر به زبان دامدارهای تولید کننده با شیوه های انحصار طلبانه خرید و فروش دام را بچنگ بیاورد و با قصر و ثروت باد آورده و افسانه ای در جلو مردم ظاهر بشود.

اینها را چگونه و با چه ترتیب بدست آورده اند؟ سیستم مالیاتی مملکت که برای مردم عادی و کم درآمد خط و نشان میکشند و متنه را به خشخاش می گذارد برای این گروه ها چه کرده؟

چه قدرت ها و چه کسانی از این قبیل اشخاص پشتیبانی کرده اند و چرا؟

کجاست آن فضای مسئولیت و نظارت ملی که قانون اساسی و متمم آن بر آن مدار و اساس پایه ریزی شده تا این چیزها و موارد بتواند تا این اندازه رشد و نمو بکند و کسی هم چیزی نگوید و نداند از من اگر بپرسید با صراحت میگویم خرابکاران اصلی و دشمنان واقعی مملکت و عناصر خطرناک ضد استقلال و تمامیت و موجودیت ایران همینها هستند هیچ چیزی جز منافع و سود جوئی های سیری ناپذیر خودشان دلبستگی

ندارند مثل آب خوردن دروغ میگویند و تظاهری کنند اینها مقدمین واقعی علیه امنیت و تمامیت ارضی و قیام کنندگان ضد مشروطیت و حکومت ملی هستند اگر حقاً کسی باید بدادگاه نظامی و صحرائی تحویل داده شود همین گروه از همه چیز بی خبران هستند اینها باید طعم انتقام و کیفر ملی را با قاطعیت و سرعت بچشند.

حکومت آشتی ملی یعنی خشم بر اینها نه حکومت نظامی. مردم می خواهند این جامعه حساب و کتاب داشته باشد و کارهایی که مورد انتظار جامعه است با سرعت و قاطعیت عمل شود مردم از حرف و ادعا و کارهای نمایشی خسته شده اند کارهای نمایشی حکم بادکنک دارد خیلی زود و آسان و بدون مایه باد می شود شکل و قیافه ای چشم گیر و ظاهر پسند میگردد حتی خیلی هم ممکن است اوج بگیرد و بالا برود ولی همیشه پوک و تو خالی است به اندک چیزی بادش در می رود و هیچ چیزی هم از آن باقی نمی ماند. (احسنست) حکومت هم اگر به آرمانها و خواست های جامعه احساس تعهد، تعلق و مسئولیت نداشته باشد و اگر فضایی مسئولیت ملی را نخواهد و یا نتواند درک و احساس نماید رابطه اش با مردم قطع می شود و بارگرانی است کشیدن بدوش که جامعه باسانی پذیرای آن نخواهد بود تنها در فضای خالی از نظارت ملی و اصل مسئولیت و بازخواست و حسابرسی ملی است که کارهای نمایشی و یادکنکی قادر به ادامه حیات خواهد بود و بهمین مناسبت سیاست های سلب آزادی قلم و بیان و اجتماعات اکثر آبروسیه قدرت هائی حمایت و جانبداری میشود که جز تظاهر و دروغ و ریا کاری پیوند دیگر با خواست ها و آرمانهای جامعه ملی ندارند و در عوض برای بقاء خودشان پیوند محکم با دزدها و چپاولگران داخلی و غارتگران خارجی و استعمارگران دارند.

اما حکومت ملی که مظهر خواستها و تمایلات و آرمانهای جامعه است همانطور که در قانون اساسی ایران بدان اشاره رفته قدرتش ناشی از ملت است و در برابر هر حادثه و آسیب پذیری از سوی خارج از سرچشمه فیاض خواست ها و اراده ملت تاب و توان میگردد.

اگر چنین رابطه ای بین حکومت و مردم وجود داشته باشد سببی برای تعرض وسیع و گسترده مردم وجود نخواهد داشت وقتی به انگیزه فساد، قانون شکنی، تبعیض، بی عدالتی و توزیع غیر عادلانه درآمدهای ملی زمینه نارضایتی در جامعه وجود داشته باشد بهره برداری سیاست های استعماری و ضد ملی امری طبیعی و ثانوی است زیرا

قدرت های استعماری و شکننده استقلال و حاکمیت ملت ها مانند میکرب های مودی و تباہ کننده همیشه وجود داشته اند و در آینده نیز خواهند بود. و هرگز مقاصد خودشانرا صریح و آشکار بر مردم نمی گویند در لباس های فریبنده و الفاظ تشنگ و با نقاب هم صدائی و هم آهنگی با خواست های مردم دام های استعماری رنگارنگ می گسترانند و هر جا که آگاهی و بینش ملی و شعور سیاسی جای خود را به هرج و مرج و آشفتگی و از هم گسیختگی داده باشد در اثر خود کامگی ها و فساد زمینه ها مهیا و آماده شده باشد و اعتبار قانون در اثر تجاوز و قانون شکنی های مستبدانه مخدوش شده باشد خیلی آسان و بدون خرج شکارها را به قربانگاه بی رحم و سلاخ خانه های تنگین و کثیف استعماری می کشانند و فاتحه آزادی را هم می خوانند.

پس دشنام و ناسزاگویی به استعمار و استعمارگران و عوامل دست نشانده و سرپرده آنها هیچ دردی را دوا نمی کند همانطور که دلخوش داشتن به الفاظ تو خالی و عبارتهای تشنگ قالبی و مدیحه سرائی ها هم هیچ کاری را از پیش نخواهد برد.

اگر زمینه مستعد نباشد دشمن تیرش به سنگ خواهد خورد و سرانجام قدرت جاودانه حق حیات ملت ها درجهانی که از آن ملت هاست برگ های تاریخ را رقم خواهد زد.

وقتی حکومت وظیفه خودش را که بخاطر آن بوجود آمده از یاد ببرد زمینه مستعد فراهم می شود که مردم ابراز نارضایتی بنمایند ملاحظه بفرمائید نمونه ای است! خبر کوچک و بسیار پر معنی در کیهان چهارشنبه اول شهریورماه، صدها کامیون و تریلر در جاده ساوه بتدریج نسابود می شود، ایسن کامیونها چند سال است در ۴ کیلومتری جاده ساوه پارک شده و در حال از بین رفتن است. خودشان برای ایجاد تنگنا صحنه سازی می کنند! راه حل رفع تنگنای خلق شده را بسود خودشان پیدا می کنند! و یا پول این ملت صدها کامیون و تریلر خریداری می کنند! و دیگر همین بس! آنرا در بیابان رها می سازند! چون به هدف اصلی که یک معامله کلان و سود آور است رسیده اند!

نارضایتی مردم نتیجه قهری و طبیعی چنین اعمالی است که صورت گرفته و میگردد.

یک مقام مسئول بمن میگفت برای یک روحانی که از طریق سردفتری اسناد رسمی امور خودش را میگذراند مبلغ کلانی مالیات تعیین نموده بودند که پرداخت آن

از قدرت و توانائی او خارج بود و یکصد و شصت نفره تخلف مالیاتی و جریمه برای او در نظر گرفته بودند وقتی رسیدگی کردیم ۱۰۵ مورد اصلا خلاف مالیاتی وجود نداشت و ه نفره هم مواردی بود که بعلت در دست نبودن مدارک مثبت می توانست قابل اغماض باشد! یک معلم بمن مراجعه کرد و شکایت از آن داشت که پدرش سالیهاست سرخود شده و مقداری ارث باقی گذاشته و چون به بانک هم بدهی دارد بهمین مناسبت ما ترک متوفی فیمابین ورثه قابل تقسیم نیست، اما اداره دارائی مصرأ مالیات برارث موعوم را مطالبه می کند و چون اموال در توقیف بانک می باشد دستور توقیف حقوق بانوی معلم را میدهد.

بانوی معلم بمن اظهار میداشت اگر متیکی به درآمد شوهرم نودم آیا می توانستند تصور نمایند امور من از کجا خواهد گذشت؟

شکایت دیگری بمن رسیده شخصی ملکی دارد که امروز اجاره معارف آن از ماهی ۵ هزار تومان بیشتر می شود اما مستأجر بمانند گذشته ماهی هفتاد تومان مال الاجاره می پردازد و موجر از قبول مال الاجاره ناچیز سرباز می زند، مستأجر هم چندین سال است که هفتاد تومان مال الاجاره را در صندوق ثبت تودیع می نماید اداره دارائی بجای آنکه مالیات بمأخذ رسید رسمی آنچه که در صندوق ثبت تودیع می شود و بگوهای اداره ثبت هم رسیده است دریافت کند براساس مبلغی که کارشناس دارائی تشخیص میدهد مالیات مطالبه می نماید و نه تنها به حرف حساب و منطقی گوش نمیدهد بلکه رأی قطعی هم صادر می نماید! با این ترتیب ملاحظه می شود که برای موارد کوچک و قابل اغماض تاچه اندازه فشار و سخت گیری وجود دارد اما در عوض آن درآمدهای نجومی و اسانه ای و ولخرجی هائی که با درآمدهای باد آورده انجام میگیرد چگونه مالیات خودشان را پرداخت مینمایند و چه دستگاهی نظارت بر کار آنان دارد؟ آنهایکه بسا ثروت های باد آورده بار سفر خارج می بندند و وطن آنها بول و دارائیهای منقول و غیرمنقول آنهاست و غارتگران دیگر که بغاظر جذب ثروت های باد آورده و زحمت نکشیده در عشرتکده ها و کازینوها و قمارخانه ها سرمایه گذاری کردند باچه چشمی باین مملکت نگاه میکنند؟ شرکت انگلیسی چطور بوی می کشد در ملک شهر اصفهان، کازینو و قمارخانه احداث میکند که باتوق قماربازی برای ثروت های باد آورده ثروتمندانی بشود که برای تجاوز به حقوق اکثریت جامعه از هیچ کاری روی گردان نیستند و پراستی نمیدانند با پول های

باد آورده خود چکاری انجام بدهند، این پول های باد آورده عمده ترین عامل تورمی در جامعه و موجب فشار و تحمیل بر اکثریت جامعه است (صحیح است)

در چه شرائطی و فضائی از نبودن عدالت اجتماعی در مملکتی که ابتدائی ترین نیاز های آن مطرح است، موجبات ساختن قمارخانه ها و کازینوهای متعدد فراهم می شود که بعدا در شرایط حاد اضطراری حکم تعطیل آنها داده شود؟

مردم مهم تر از تعطیل کازینو و قمارخانه می خواهند فضا و شرایط بی عدالتی های اجتماعی که چنین چیزها در آن رشد و نمو میکند وجود نداشته باشد کی؟ و کدام مقام مسؤول در مملکت از چنین کسان سؤال کرد از کجا آورده اند و مالیات بر درآمد خودشان را به کجا پرداخت نموده اند؟ تا پول مفت و باد آورده نباشد قمارخانه با نخواهد

گرفت در شهر ما یک زمین اوقافی هست بین چندین مدرسه واقع شده بجای آنکه آنرا در اختیار ورزش مدارس که فاقد فضای کافی هست بگذارند با شرایط نازل و ساده در اختیار سودجویان شناخته شده و فاقد صلاحیت گذاشته اند که پرونده خلاف کاریها و زودبندهای آنان روشن و آشکار است. مشایه این کار بوسیله شیلات در بوشهر انجام گرفته تب زمین مؤسسات دولتی را هم بخود مشغول نموده. شیلات زائد بر نیازمندیهای خودش اراضی دولتی کنار ساحل را تصاحب نموده و در حالیکه اداره بندر برای رفع نیازمندیهای تخلیه و بارگیری به آن نیاز دارد آنرا به یک شرکت خارجی که موضوع کارش خدمات نفتی و ساختن سکوی حفاری است اجاره داده و آن شرکت هم در آن محل بکار عملیات تخلیه و بارگیری کالاها باندی پرداخته است. همین شیلات که باید در کنترل قیمت نقش داشته باشد تحقیق کنید ماهی را با چه نرخ های ارزان از صیادان تولید کننده خریداری می کند و با چه نرخ هائی آنرا رسماً بفروش میرساند در صورتیکه همان ماهی هم با نرخ واقعی بدست مردم نمیرسد و انواع خوب و مرغوب آنرا هر اندازه که بخواهید با نرخ های بالاتر در بازار سیاه می توانید فراهم نمائید.

با همین درآمدها و فشار بمصرف کنندگان، شیلات مهمانسرای تجملی میسازد اگر می خواهید مهمانسرا بسازید چرا بحساب کسانی که از آن استفاده خواهند کرد درست نمی کنید که باید پول آنرا با تحمیل بمصرف کننده دریافت نمائید؟

شکایت هائی بمن رسیده که شیلات کشتی های فرسوده و دست دوم از کشوری که تولید کننده کشتی های صیادی

نیست خریداری می نماید و اگر کسی هم سؤال کند چه شده کشوری که خودش احتیاج به خریداری کشتی ماهیگیری دارد با چه انگیزه ای حاضر شده به ایران کشتی صیادی بفروشد.

این هامطالبی است که مردم می بینند و بیان میدارند و مسائلی است که چون برای آنها باسیاست های اعلام شده و رسمی مملکت که مردم به آن اعتقاد دارند قابل توجیه نیست ایجاد ناراضی و ناآواری می کند چه شکایت ها از سراسر مملکت در مورد بازنشسته کردن نایبنگامه کارمندان سالم و جوان و صدیق و زحمت کش بموجب تبصره ۴، قانون استخدام بیهمه نمایندگان رسیده که جواب قانع کننده ای برای آنها وجود ندارد، جز آنکه بگویند قانون چنین چیزی را خواسته است! و بصورت یک شمشیر بی رحم و عاطفه در دست مدیران برای تنبیه و ساکت کردن کارمندانی که کله آنها بوی قورمه سیزی میداد! بکار گرفته شد و یا همین تبصره ۸ بودجه سال گذشته و همترازی بازنشستگان که بالاخره با همه نارسائیها که داشت باسم اینکه قبل از عید باید مزایای آن بدست بازنشستگان برسد از تصویب کمیسیون مجلس گذشت و تا بحال هیچ اقدامی نشده، حتی من اطلاع دارم روی پرونده بسیاری از بازنشستگان چندین سال است هیچ اقدامی صورت نگرفته و پرونده ها توی گونی خاک میخورد.

ماده ۶۰ قانون ملی کردن مزارع و رأی قطعی کمیسیون که چه اندازه کشاورزان صاحب نسبی را بناحق آواره و سرگردان ساخت و شکایت ها بجائی نرسید. قانون اراضی مستحدث ساحلی و حریم ۶۰ متری از بالاترین نقطه مد دریا در سواحل خلیج فارس که زندگی مردم را بهم ریخت و اسناد مالکیت مستحدثات مجاور ساحل را تا عمق ۶۰ متری در سراسر کرانه های خلیج فارس متزلزل و فاقد اعتبار نمود.

یک پروژه مطالعاتی پرهزینه برای توسعه عملیات بندری بوشهر مطرح است مهندس مشاور می که مسئول این پروژه است در کارهای قبلی سابقه خوبی ندارد در کمیسیون شاهنشاهی مسئول عقب افتادگی بسیاری از برنامه ها معرفی شده است.

پروژه ای که بوسیله این مهندس مشاور مورد بررسی است پروژه بسیار ناقص و نارسائی است دفتر برنامه بودجه بوشهر پروژه دیگری را بررسی نموده که از هر حیث نسبت به پروژه این مهندس مشاور امتیازات بیشتری را دارد دلایل و موارد آن بکرات توضیح داده شد، مثنوی هفتاد من کاغذ شود اما گوش کسی بدعکار نیست!

هروقت راجع به این چیزها صحبت بشود برای مسئولان اجرائی و مدیران که در برج عاج جلوس فرموده اند مرغ یک پا دارد و تنها حرف درست و منطقی حرف خود آنهاست!

با این ترتیب بخوبی پی میبریم هیچ حکومتی نمیتواند دوام و بقاء داشته باشد مگر آنکه مجری عدالت اجتماعی و مأمور صیانت از حقوق عمومی باشد اما هرگاه حکومت از این موضع خارج بشود و بخواهد قدرت و قوانین خودش را بسود گروهی محدود بکاربرد و منافع عمومی جامعه را از یاد ببرد به ارکان وحدت و موجودیت ملی ضربه وارد ساخته است و این کاری است که سالیهاست بدست مسئولان و مجریان انجام گرفته و حکومت مورد اعتراض جامعه قرار گرفت چرا باید چنین باشد که انحصار مسافری مسافرانی که از طریق فرودگاه داخل و یا خارج میشوند به یک شرکت داده شود که میزان کرایه آن هیچ رابطه معقول و منطقی با سایر وسائل مشابه نداشته باشد و چندین مرتبه گران تر باشد و هرگاه یک تا کسی پارا از حریم این انحصار طلبی خارج نماید و از مهرآباد بطرف شهر مسافر سرگردان و بلاتکلیفی را حمل نماید شمشیر قانون برفیق او وارد شود تا باردیگر از این کارها انجام ندهد!

دکتر عدل - صحیح است.

دکتر طبیب - بنام قانون مردم را تحت فشارهای گوناگون و غیر قابل تحمل درآوردند بنام واهی و مسخره جلوگیری از تراکم ترافیک در تهران و تصویب مالیات اتومبیل، بالابردن نرخ بنزین، باسم بالابردن غواند غیر نفتی و مبارزه با آلودگی هوا، افزایش نرخ آب تحت عنوان جلوگیری از مصرف بی رویه آب - افزایش نرخ پست و تلگراف و تلفن بوسیله دستگاه دولتی آنها را بحاسبه اشتباه آمیز بضرر مردم، شمارا بخدابه بینید هنگامیکه در تابستان اسماال هنوز ساعتها به عقب کشیده نشده بود وزارت پست و تلگراف برای محاسبه نرخ ارزان مکالمه تلفنی راه دور ساعت رسمی را قبول نداشت و در روزنامه اعلام کرد بجای ساعت ۹ بعد از ظهر از ساعت ۱۱ بعد از ظهر نرخ مکالمه ارزان مورد محاسبه قرار خواهد گرفت!

عوارض غیرقانونی خروج از کشور از تاریخ تقدیم لایحه نه تاریخ تصویب قانون و خیلی چیزهای دیگر... سرمایه گذاری های بخش خصوصی در مسیر تجاوز به حقوق عمومی و سرکشیه کردن مردم و گران فروشی و احتکار که هرگاه کمترین فرصتی بدست بیاید چگونه

شیره جان مردم را بکند!
 سرمایه گذاری بخش عمومی که در یک اقتصاد سالم باید مرزهای سود عادلانه و منطقی بخش خصوصی را تعیین نماید در مسیر فساد و دزدی و تجمل پرستی.... در شهر ما مردم به آب احتیاج دارند.

انشعاب جدید آب به نوبت به کسی نمیدهند مردم مرتب شکایت میکنند که با رشوه گیری و توقعات نامشروع و پارتی بازی عمل میکنند بارها شکایت مردم را منعکس کردم نتیجه همه این کارها تعویض یک مأمور بود که دیگری جای آن آمد.

شکایت مردم بخاطر آن نبود که یکی بیاید و یکی برود آیا رشوه میگرفتند یا نمیگرفتند؟ آیا خارج از نوبت به اشخاص انشعاب میدادند یا نمیدادند؟ اگر رشوه میگرفتند و با تبعیض و خارج از نوبت انشعاب آب میدادند که باید مسئول مربوط را شناخت و پای مؤاخذه دعوت نمود و اگر این چیزها وجود نداشته که تعویض مأموردردی را دوا نمی کند!

در همین شرایط که لوله های آب فرسوده و احتیاج به تعویض دارد سازمان آب باشگاه ۲۰ میلیون تومانی اختصاصی برای خودش درست میکند!

چنین است بی اعتنائیها به تقاضای مردم و نمونه هایی از روحیه حاکم که وجود دارد و مردم را به ناراضی می کشاند و ناراضی وحدت و یکپارچگی ملی ما را آسیب پذیر می سازد و میدانی بوجود می آورد تا عوامل تجزیه طلب و بیگانه از آن بهره بگیرند اما حکومت ملی بر اساس مسئولیت و نظارت ملی آنطوریکه قانون اساسی ما بر آن پایه استوار است هیچ امری از امور مملکت و جامعه را خارج از قلمر و نظارت و مسئولیت ملی نمی شناسد وزراء و مسئولین بلند پایگان در هر سطح که باشند مسئول و پاسخگوی مسائل مملکتی هستند، هم مسئولیت مستقیم دارند و هم مسئولیت مشترک.

هیچ امریه و دستوری بحکم صریح قانون اساسی از بار مسئولیت آنان نمی کاهد (صحیح است)

هر چیزی که انجام میگردد در حد مسئولیت وزراء است که در برابر مجلسین مسئول هستند. اگر چنین باشد که قانون اساسی می خواهد مسئله ای وجود نخواهد داشت و عقده ها و انبوه ناراضی ها کار را به اینجا نمی رساند (صحیح است)

اگر مسئولیت و مؤاخذه وجود داشته باشد و اولین متجاوزیکه پیدا بشود تعقیب و مجازات بشود سایرین حساب کار خودشانرا خواهند کرد، سوالی از دولت

نموده بودم راجع به رودخانه کره بند که یک منطقه بسیار وسیع و فوق العاده مستعد کشاورزی را در استان بوشهر مشروب می ساخت، استعداد حاصلخیزی اراضی کره بند در حدی بوده است که برآستی شگفت انگیز است ۲ سال پیش در اثر جریانات خیلی عادی و ساده و قابل پیشگیری مسیر رودخانه تغییر پیدا میکند و بجای آنکه آب رودخانه بطرف روستاهای متعدد که در حدود ۲ قریه با اراضی زیر کشت وسیع می باشد سرازیر شود بطرف دریا می رود و خانواده های روستائی دست از کسب و کار می کشند و روستاها را ترک می نمایند و آواره و سرگردان در شهرها می شوند و هیچ دستگاهی در برابر این حادثه احساس تکلیف و مسئولیت نمی نماید سال گذشته این سؤال در مجلس مطرح شد و چون پاسخ قانع کننده ای وجود نداشت سؤال به کمیسیون ارجاع شد که هنوز هم در کمیسیون معوق مانده یکی دو ماه پیش که به محل سرکشی کردم واقعاً تعجب کردم که چقدر کار ساده و کوچکی است که سالها همه را آواره و پریشان و ناراضی ساخته و همه چیز را از بین برده است عملیات با ثانی و کندی فراوان پیشرفت داشت، اکنون کشاورزان بمن شکایت کرده اند که کار موقوف است و پیشرفت ندارد، کاش آقای وزیر کشاورزی برای نمونه با من هم سفر می شدند و می آمدند از نزدیک میدیدند که یک برنامه ساده و کوچک تا چه اندازه دردسر ایجاد کرده و کش پیدا نموده است.

اگر می خواهیم بدانیم چرا چنین شد باید به این چیزها که بیان گردید در متن استیضاح که در جلسه ۱۷۸ تقدیم مجلس شورای ملی گردید پاسخ داده شود. اما علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد.

اکنون به این موضوع میرسیم که بدانیم در حال حاضر ضرورت های مملکتی چه چیزهایی است و چه باید کرد؟ ضرورت های حال حاضر مسائل بسیار ساده و روشنی است هر اندازه که به این ضرورت ها دیرتر توجه بشود کار مشکل تر و خسارت ها زیادتر خواهد شد. گرچه در همین مجلس خیلی بیشتر هشدار های صریحی داده شد اما حتی دست کم اگر از واقعه اسف انگیز قم در دیماه گذشته به ضرورت های اجتناب ناپذیر و اعمال قاطع و صریحی که در مملکت می باید انجام بگیرد مسئولان عبرت گرفته بودند و بجای گمراه ساختن افکار عمومی و فریب دادن خودشان تصویر واقعی از وقایع حوادث مملکتی را در لکه میگرداند و تکلیف خودشانرا معلوم میکردند وقایع خونین تبریز بوجود نمی آمد و اگر عکس العملی دولت در برابر واقعه تبریز

تا آن اندازه گمراه کننده نبود اینهمه آشوب ها و اغتشاش ها و کشته شدن افراد بیگناه بوجود نمی آمد.

تازمیننه داخلی فراهم و مهیا نباشد هیچ نیروی خارجی و بیگانه از هردسته و گروه که باشد نخواهد توانست جز از راه مقابله نظامی نیت و مقاصد خود را عملی بسازد که آنهم در وضع عمومی جهان حاضر بعید بنظر میرسد اما هنگامیکه زمیننه داخلی مستعد و آماده باشد همان مقاصد و نیت را که در زمان جنگ و بشکل عملیات نظامی استعمارگران و دشمنان مملکت از هر قطب و جهت که باشد دنبال میکنند در بستر آشوب ها و اغتشاشات داخلی عمل مینمایند.

مردم ایران میهن خود را دوست دارند و چون به سرنوشت و آینده وطن خودشان اعتقاد دارند نمیتوانند به آنچه که در این سرزمین میگردد بی تفاوت باشند.

در این مملکت مثل هر جامعه دیگر طبیعت هائی وجود دارد مثل دیو که جز به منافع و سود جویی خودشان به چیز دیگری هرگز اعتقاد ندارند باشامه تیز خودشان سعی میکنند نسبت بهره چیزی که مورد علاقه و احترام جامعه باشد خودشان را نزدیک و مقرب جلوه دهند.

وطن - دین - آزادی - قانون - عدالت - اخلاق - انسانیت و هر چیز دیگر برای آنها مثل مومی است که بهر شکلی بخواهند آنرا به نفع خودشان قالب میزنند، مرام تغییر ناپذیر آنها یک چیز است «زیان کسان از بی سود خویش» باولع و اصرار دنبال شغل و مقام و منصب میروند برای اشخاص خوب و خدمتگزار پرونده سازی میکنند تا کنار بروند اما همه این کارها برای آن نیست که منشاء اثر و خدستی برای مردم باشند بلکه بخاطر آنستکه بخاطر دستمالی قیصریه ای را به آتش بکشاند. رنگ و شکل ظاهری حکومت هرچه باشد برای آنها بی تفاوت است همان اندازه مشروطه خواه هستند که سابق هم پای علم استبداد سینه میزدند! برآستی «هردم بت عیارشکلی بدرآید».

در برابر این حشرات که اقتضای طبیعتشان نیش زدن و زیان رساندن است طبیعت های دیگری هم هستند مثل فرشته که به آنچه میگویند اعتقاد دارند نه برای آنکه منافع آنها ایجاب بکند یا نکنند ترس داشته باشند یا نداشته باشند این طبیعت ها خودشان را به یک جامعه با هویت و شناسنامه تاریخی و فرهنگی مشخص وابسته میدانند، اگر جامعه باشد آنها هم خواهند بود اگر جامعه ای نباشد آنها نیز نخواهند بود - پس برای آنکه باشند باید اول ملت و میهن باشد و در آن نیکی -

خیر - برکت - عدالت - برابری - آزادی - اخلاق - قانون و نظم وجود داشته باشد، استعداد های بالقوه امکان شکوفائی داشته باشد، هر کس کوشش کند با کار سازنده و اخلاق و نیروی عشق و ایمان در سازندگی جامعه مشارکت داشته باشد هر چه بیشتر با نیروی کار و کوشش چیزی را به جامعه بدهد تا بتواند چیزهای بسیاری را دریافت کند تسلط چنین طبیعتی شخصیت ها و انسانهایی را متجلی میسازد که در خوبی و سازندگی با هم رقابت و مسابقه دارند.

وجود هر انسان نبردگاهی است بین خیر و شر، فرشته و دیو.

در هر جامعه هم همیشه بذر و نطفه و استعداد هر دو طبیعت وجود دارد - دیو جو بیرون رود فرشته درآید یک نوع کار حکومت باغبانی است، تا کدام استعداد و طبیعت در جامعه امکان رشد و نمو بهتری داشته باشد.

رشد و نمو هر کدام از این دو طبیعت های جداگانه ارزشیابی حقیقی مردم برای کارنامه و عملکرد حکومت هاست.

مردم با حکومتی پیوند مستحکم خواهند داشت که زمیننه رشد و نمو میدان یکه تازی و خود کامگی برای طبیعت های متجاوز غارتگر و بی اعتنا به حقوق عمومی فراهم نیابرد نساد - بی عدالتی - قانون شکنی - تبعیض - توزیع غیر عادلانه درآمد ملی - بی قیدی - بی اعتنائی به حقوق مردم و این قبیل چیزها در جامعه شرایط و زمیننه ای را فراهم میسازد و جامعه را بصورت لجن زاری بیرون میآورد که حشرات موذی و طبیعت های سود پرست و زیان بخش با شامه تیز خسود آنرا احساس می کنند و از حالت کمون و بی اثری خارج می شوند و با همان شیوه های فریبنده و ظاهر فریب و چرب زبانی مواضع حساس قدرت و امکانات اجتماعی و اداری را بچنگ میگیرند و با ایجاد خفقان و سلب آزادی قلم و بیان تسلط جا برانه خودشانرا استعمار می بخشند از این بابت یک عدم تعادل و ناپایداری در جامعه بوجود می آید که یک عکس العمل عادی و طبیعی است و نسج جامعه وحدت ملی موجودیت ملی تمامیت ملی بجای استحکام و آسیب ناپذیری به اعلا ترین حد از آسیب پذیری میرسد و کمترین موج و نسیم همه چیزها را در هم می کوبد و آشفته می سازد اما در جامعه آزاد بر مدار فضای مسئولیت ملی و نظارت همگانی ابتدائی ترین حرکت فساد شناخته می شود و با رسوائی به مجازات و کیفر ملی میرسد و در نطفه خفه و خاموش می شود و هرگز اجازه پیدا نخواهد کرد برزهای

افسانه‌ای و ارقام نجومی برسد زیرا حسابرسی بی‌امان ملی و بازخواست و مواخذه صریح و قاطع و مبارزه آشتی‌ناپذیر با فساد هرگز زمینه رشد و نمو چنان عواملی را فراهم نخواهد ساخت در جامعه آزاد قانون به نحو عادلانه سودهمگان وضع می‌شود و به سود همگان مورد اجرا گذاشته می‌شود هیچکس در هیچ مقام و موقعیت و منزلت اجتماعی که باشد قدرت قانون شکنی را بدست نخواهد آورد سهم هر کس از درآمد ملی متناسب با کار و وظیفه‌ایست که سودجامعه به انجام میرساند.

در یک چنین نظم حکومتی که ناسیونالیسم مبشر آنست برای طبیعت‌های زیان بخش جانی نخواهد بود و طبیعت‌های مؤمن و معتقد یعنی کسانی که رفتارشان و عملشان هم‌آهنگ با اعتقادهای آنهاست و در رفتار و گفتار و اندیشه خود جز خیر و صلاح و سازندگی مملکت و جامعه هدف دیگری ندارند شرایط و فضائی بوجود خواهد آمد که بتوانند در همه جا حضور و مشارکت خودشانرا در سازندگی ملی به ثبوت برسانند و روح و فلسفه قانون اساسی و مجاهدین صدر مشروطیت ایران مورد اجرا گذاشته خواهد شد زیرا بموجب قانون اساسی ایران قدرت حکومت ناشی از اراده ملت است و قانون شکن‌ها و خود کامگان و دزدها و غارتگران و عاملین تبعیض و فساد و دشمنان ضد موجودیت ملی و وحدت ملی تیرشان بستک خواهد خورد.

پس حکومت قانون - عدالت اجتماعی - آزادی - نضای نظارت و مسؤلیت ملی - تحقق بخشیدن به خواست‌ها و آرمانهای جامعه ملی - آسیب‌ناپذیر ساختن اساس موجودیت و وحدت ملی و شکوفائی هرچه بیشتر همه استعدادهایی که در این مملکت وجود دارد بسود همه وطن‌خواهانی است که آرزوی بزرگی و بهروری میهن و ملت خود را طلب می‌نمایند.

حکومت قانون و عدالت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و آزادی‌هایی که قانون اساسی ایران مقرر داشته تنها به زبان کسانی است که مثل دزدها بازار و اجتماع را آشفته می‌خواهند تا از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. اجرای کامل قانون اساسی که نگهبان موجودیت و هویت ملی و شعائر مذهبی ملت ایران است براساس مسئولیت و نظارت ملی و آزادی‌های اجتماعات قلم و بیان تنها به دست کسانی تحقق خواهد یافت که مردم به آنها اعتقاد و باور داشته باشند و سابق و کارنامه گذشته آنها در مواضع حساس و موقعیت‌های مملکتی با آنچه که

مردم از آنها انتظار داشته و دارند مغایرت نداشته باشد و در چنین حالتی حکومت خواهد توانست گره گشای مشکلات پیچیده و نابسامانیهای بیشماری باشد که از سالیان دراز بدست و پای ملت پیچیده شده و با همه امکانات مساعد و فرصت‌هایی که وجود داشته است حرکت واقعی‌ما را بسوی پیشرفت کند نموده است.

اما در جهان ملت‌ها هیچ موجودیتی نیست که دشمنی در کمین نداشته باشد دزدها و عوامل فساد و قانون شکن‌ها و خود کامه‌ها دست در دست استعمارگران با قیافه‌های حق بیجان همیشه می‌خواهند شرایط و فضائی وجود داشته باشد که بتوانند از آن بهره بگیرند. مقاصد پشت پرده و حق بیجان آنان بر ملت ایران پوشیده نیست زیرا کودکان ما در دبستان بخوبی میدانند که گریه خوش خط و خال دو قدم دورتر از مادر چه بزرگارجوجه‌ها می‌آورد - و به شیوه‌های فریبکاری گریه که پنج پنج شکار میکند آگاه هستند.

دستور کار آنها مبارزه با کلیه نهادها و عواملی است که در جامعه وحدت و یکپارچگی را تحقق می‌بخشد دین - فرهنگ - اخلاق - معنویت - دشمن شماره یک آنها یعنی دزدان و غارتگران مؤتلف با سیاست‌های استعماری است.

روستاها را پراکنده، کشاورزان را خانه بدوش کارگاهها را آشفته و مختل و کارگران را بیکار و گرسنه قانون‌زایی اعتبار - اقتصاد را نابسامان و مختل، کشاورزی را نابود، بی‌عدالتی را در بدترین شکل - فساد و تبعیض رشوه‌خواری لایقیدی - دشمنی با مردم و هرچه را که به نارضایتی‌ها دامن بزند و آب را گل‌آلودتر بسازد - در اعلاترین وجه و صورت ممکن طلب می‌کنند.

پس دزدها را بشناسیم که چگونه هم نارضایتی می‌آفرینند و هم چگونه سیاست‌های کثیف استعماری از آنها بهره میگیرند و مملکت را به آستانه سقوط و پرتگاه میرسانند - آنها که شرایط اختناق و سلب آزادی را فراهم می‌نمایند دشمنان شماره یک جامعه‌ای هستند که اراده دارد آزاد زندگی کند.

کسانی که در مساعدترین فرصتها شکست برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی و سازندگی ملت ما را باعث شدند و نزوت‌های ملی و منابع تجدید نشدنی نفت را بپاد دادند دشمنان شناخته شده جامعه ما هستند باید به کیفر و عدالت ملی سپرده شوند.

وصول به آزادی و بزرگی‌های ملی راه حیاتی و اجتناب‌ناپذیر و سرنوشت دلپسند جامعه ایرانی است

حکومت‌های سالیان گذشته شایستگی انجام چنین رسالت شکوهمندی را نداشته‌اند دولت کنونی هم از همان قماش‌های دولت‌های گذشته است فرصت‌های زیادی برای ما نمانده که حساس‌ترین موقعیت‌های تاریخی را به دفع‌الوقت بگذرانیم دولتی متحول و نیرومند متکی به اراده و خواست عمومی، نه حکومت نظامی و خونریزی - که در مسؤلیت فسادها و شکست برنامه‌های مملکت مشارکت نداشته باشد با خون و روحیه تازه چاره‌گر مسائل بیشمار و بزرگی خواهد بود که در پیش پای ما قرار دارد.

و این دولت فاقد چنان ویژگی‌هایی است که جامعه‌ها به آن نیاز دارد. پاینده ایران (احست)

رئیس - با اجازه خانمها و آقایان این جلسه را ختم می‌کنیم جلسه آینده ساعت سه بعد از ظهر امروز و دستور ادامه رسیدگی به برنامه دولت جناب آقای جعفر شریف امامی است.

(جلسه ساعت سیزده و پنج دقیقه پایان یافت)

رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی